

گزارش سیاسی

کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس هفتم

صفحه ۳

پیام شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان به :

صفحه ۸

طبقه کارگر ایران

صفحه ۱۲

کمونیست‌ها، نیروهای چپ رادیکال و انقلابی

صفحه ۱۶

خانواده‌های شهدای سازمان و زندانیان سیاسی

صفحه ۲۰

دانشجویان انقلابی و مبارز

دو سال بعد

دو سال از دوران زمامداری خاتمی‌رئیس جمهور که اگر انتخاب شود، آزادیهای سیاسی و حقوق مردم را به آنها باز خواهد گرداند و معضلات اقتصادی و مادی مردم را حل خواهد کرد. حالا بیش از دو سال از آن تاریخ گذشته است. روز ۱۱ شهریور، خاتمی در یک برنامه تلویزیونی حضوریافت تا کارنامه ۲ ساله خودرا ارائه دهد و وعده‌های آینده‌اش را بدهد. خبرنگار گفت: "دو سال پیش دولت جناب آقای خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران کارخود را آغاز کرد. در فعالیت‌ها، صحبت‌ها و اعلام مواضع قبل از پیروزی... برنامه‌های مشخصی در زمینه‌های گوناگون اعلام شد. امروز ۲ سال پس از آن زمان، فرصت خوبی است که به ارزیابی این برنامه‌ها و میزان دست اورده‌ای دولت پیردادیم."

خاتمی چند ساعت صحت کرد اما نگفت که کدام برنامه اول عملی شده است. نگفت که کدام وعده او جامه عمل پوشیده است. نگفت که کدام آزادی به مردم داده شده است؟ نگفت که کدام معضل اقتصادی مردم حل شده است. در واقع او چیزی نداشت که بگوید. چرا که او جزو خامت بیشتر اوضاع دست آورده نداشته است. او در عرصه اقتصادی سوای حاشیه روی هائی که به گذشته داشت، دلیل شکست خود را چندین توضیح داد: "مگر می‌رسد است که در یک جامعه‌ای که از نظر علمی عقب افتاده است، از نظر فن آوری عقب افتاده است، ما رشد اقتصادی داشته باشیم... مگر می‌شود ما به رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی برسیم ولی جامعه مشارکت جو نداشته باشیم" مشارکت هنگامی می‌شود که ما توسعه سیاسی داشته باشیم. "پس لایحل ماندن معضلات اقتصادی و خامت بیشتر اوضاع، به این علت بوده است که توسعه سیاسی نبوده است، اما چرا توسعه سیاسی صورت نگرفته، چرا آزادی به مردم داده نشده است؟ چرا" مردم

صفحه ۲

در این شماره

۲، ۶

پیام‌های رسیده به کنفرانس سازمان ۶، ۱۰، ۱۱

۱۵، ۶

گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

اخباری از ایران

خبرگارگری جهان

صفحه ۵

گزارشی از برگزاری کنفرانس هفتم سازمان

در اواخر مرداد ماه، کنفرانس هفتم سازمان تشکیل گردید. مطابق ضوابط اساسنامه‌ما، کمیته اجرائی سه ماه پیش از برگزاری کنفرانس، گزارش سیاسی و تشکیلاتی خود را به کنفرانس که به ازبیابی اوضاع سیاسی ایران، چشم انداز تحولات سیاسی، خط مشی سیاسی و تاکتیک های سازمان و جمع بندی عملکرد دوساله تشکیلات، اختصاص یافته بود در اختیار اعضاء و کاندیداهای عضویت قرار داد تا شرکت کنندگان در کنفرانس، با آمادگی بیشتری در مورد گزارش نظر بدند و تصمیم بگیرند. در این فاصله همچنین دو قطعنامه پیشنهادی در تشکیلات مورد بحث قرار گرفت و مقاومتی دررد یا تأیید و یا تکمیل آنها نوشته شد. یک قطعنامه خواستار حذف جمهوری دمکراتیک خلق از برنامه و قراردادن حکومت شورایی به جای آن بود و قطعنامه دیگر به دلائل و علل شکست انقلاب پرولتاری در شوروی پرداخته بود. در جریان مباحثات سه ماهه قبل از کنفرانس، پیرامون این قطعنامه‌های پیشنهادی، نوشتۀ های ارائه شد که از جمله در برخی از آنها از جمهوری دمکراتیک خلق و بر جای ماندن آن در برنامه دفاع شده بودو برخی خواهان قراردادن واژه جمهوری شورایی به جای جمهوری دمکراتیک خلق شدند. پس از سپری شدن این دوره سه ماهه بحث‌های مقدماتی، کنفرانس هفتم تشکیل شد. کنفرانس کارخودرا با یک دیقیقه سکوت به یاد جان باخته گان فدائی و همه جان باخته گان راه سوسیالیسم و آزادی آغاز نمود. با انتخاب رئیس سنتی اجلاس، کمیته اجرائی گزارشی در مورد احصار شرکت کننده در کنفرانس و نیز رفاقتی که توانسته بودند در اجلاس حضور یابند ارائه داد. سپس آثین نامه پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید. در پی تصویب آثین نامه، هیئت رئیسه کنفرانس انتخاب شد. پیام‌های از از جانب سازمانهای سیاسی ارسال شده بود، به کنفرانس ارائه شد. بررسی گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به کنفرانس در دستور کار قرار گرفت. نخست، گزارش سیاسی به بحث گذاشته شد. انتقاد اصلی تعدادی از رفقا به گزارش سیاسی، حذف بخش مربوط به اوضاع جهانی از این گزارش بود. این دسته از رفقا برای اعتقاد بودند که به روال گزارشات ارائه شده به کنفرانس‌های پیشین، در این گزارش نبزد می‌باشند اوضاع جهانی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت و خواهان افزودن این تحلیل بر گزارش سیاسی بودند. توضیح داده شدکه در پی انتقادی که در گذشته در سطح تشکیلات و جنبش در مورد این بخش و کلیشه وار بودن آن صورت گرفته است، در گزارش سیاسی به کنفرانس هفتم این بخش حذف شده است و در مدت زمان کوتاهی که کنفرانس در جریان است، نمی‌توان تحلیل جامعی تدوین و به گزارش افزود. بنابراین کنفرانس، پیشنهاد مربوط به افزودن بخش اوضاع جهانی را در گزارش رد کرد. با توجه به این که گزارش سیاسی قبل از رویدادهای اخیر جنبش دانشجویی تهیه شده بود، کنفرانس بالاتفاق برای نظر بود که مبارزات دانشجویی باید مفصل تر در گزارش سیاسی مورد بحث قرار گیرد. بدین منظور کمیسیونی تشکیل گردید و بخشی که می‌باشند به گزارش افزوده شد.

گزیده ای از نامه های رسیده

جدید شما را در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا همانطور که خواسته اید از این پس نشریات سازمان به آدرس جدید شما ارسال شود. پیروز باشید.

سوئد_گوتبرگ، "از طرف مسئولین و همکاران رادیو "ما و شما"" نامه ای برایان فاکس شده است و در آن توضیح داده شده است که در این رادیو، نشریات سازمان های سیاسی رادیکال معرفی می شوند و مقالاتی نیز از این نشریات خوانده میشود. این دوستان از جمله درنامه خود نوشته اند "رادیو ما و شما درجهت شناساندن مواضع نیروهای سیاسی و فرهنگی رادیکال که با تمام جناح بندیهای رژیم جمهوری اسلامی مرزبندی دارند و معنقد به سرنگونی این حکومت ضد مردمی می باشند، برنامه ای را از چندی پیش آغازکرده است ". امید که فعالیت این دوستان در راستای معرفی جریانات رادیکال و انقلابی و افشا نیروهایی که نسبت به جناحی حکومتی توهم پراکنی میکنند، قرین موقفيت گردد.

سوئد_رفیق ع. نامه شما همراه با دو برق ضمیمه راجع به "فراخوان تحصن" و "منشور شورای حمایت از جنبش های مردمی در ایران" بدستمان رسید. مشکریم و پیروز باشید.

* **نامه ای با امضای "جمعی از زندانیان سیاسی سابق"** برایان فاکس شده است که در آن به دستگیری محمد اقبالی کازرونی توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی اعتراض شده و خطر اعدام نامبرده نیز هشدارداده شده است. در این نامه از جمله آمده است: "... محمد اقبالی یکی از فعالین سازمان چریکهای فدائی خلق (اقیت) بوده است. وی بهمین دلیل نیز حدود ۷ سال در زندانهای جمهوری اسلامی (اوین، قزلخصار و گوهردشت) تحت ا نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفته بود. در ادامه سیاستهای ضد انسانی جمهوری اسلامی در زندانها و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ وی دچار شوک شدید روحی گردید و تعادل خودرا از دست داد. رژیم جمهوری اسلامی از وضعیت روحی وی "کاملاً" آگاه است". چنانچه این موضوع در پرونده زندانی نامبرده ثبت شده است. در قسمت های دیگری از نامه که ۳۰ تن از زندانیان سیاسی سابق مقیم اروپا، آمریکا و استرالیا آنرا امضای کرده اند چنین آمده است: "... در سال ۶۷ چندین زندانی سیاسی را که در طول زندان در اثر شکنجه های روحی و جسمی

آلمان_ کاسل، دوست بسیار عزیز(ج) فرمی که برای آبونه نشریه پرکرده و ارسال نموده بودید، همراه با ۳۰ مارک آلمان بسته بود. هم اکنون نشریه کاربه آدرسی که خواسته بودید برایان ارسال میشود. پیروز باشید.

هلند_ میدلبرگ. دوست عزیز (شـ _ بـ) نامه شما همراه ۲۵ فلورن بابت آبونه نشریه کار به دستمان رسید. نشریه کاربه آدرسی که خواسته بودید فرستاده شد. همچنین درخواست شما مبنی بر ارسال یک شماره ویژه تغییر نام سازمان ارسال گردید. پیروز باشید.

سوئد_ مشترک عزیز (بـ سـ) درخواست شما برای ارسال نشریه همراه با ۲۰۰ کرون سوئد دریافت شد. آدرس جدید شمارادر اختیار انتشارات سازمان قراردادیم تا نسبت به ارسال نشریه کار اتفاقم شود. در ابطه با وجود عقب مانده اشتراک نشریه، نامه جاگانه ای برایان ارسال خواهد شد. پیروز باشید.

آلمان_ زنگین, دوست عزیز (مـ . دـ) نامه شما همراه با ۳۰ مارک معادل آبونه یک سال اشتراک نشریه کاربستمان رسید. نشریه به آدرسی که خواسته بودید مطابق آمار رسمی خودشان که البته تمام واقعیت را بازگو نمیکند، تعداد بیکاران در همین دو سال از ۱/۵ به ۳ میلیون افزایش یافته است. بهای کالاهای و خدمات مورد نیاز مردم در این دوره دوره افزایش یافته و باز هم بر طبق ارقامی که موسسات دولتی اعلام کرده اند نرخ تورم ۲۴ درصد است. نتیجه این صد هزار کارگر در طول دو سال گذشته بیکار شده، صدها هزار جوانی که به بازار کار هجوم آورده اند، همچنان بیکارندو مطابق آمار رسمی خودشان که البته تمام واقعیت را بازگو نمیکند، تعداد بیکاران در همین دو سال از ۱/۵ به ۳ میلیون افزایش یافته است. بهای کالاهای و خدمات مورد نیاز مردم در این دوره دوره افزایش یافته و باز هم بر طبق ارقامی که موسسات دولتی اعلام کارگران و رختکشان، گسترش فقر در میان توده های مردم و بالاخره رشد مفاسد اجتماعی بوده است. در عرصه سیاسی نیز همچنان دیگاتاتوری عربیان و اختناق حاکم بوده است. مردم همانند گذشت از آزادیهای سیاسی محروم اند و ابتدائی ترین حقوق مدنی و انسانی آنها نیز لگل مال میشود. در دوران ریاست جمهوری خاتمی، همانند دوران قبل از آن، هرگونه نارضایتی مردم به شدت سرکوب شده است. بهمین چندماه گذشته که نگاه کنیم، سرکوب بی رحمانه مردم کردستان بیویژه درستنج، سرکوب داشجویان در کوی دانشگاه و سرکوب جنبش دانشجویی و مردمی در خیابانهای تهران و تبریز، نمونه هایی از سرکوب های بی رحمانه رژیم در چند ماه گذشته بوده اند. بر تعداد زندانیان سیاسی روز بروز افزوده شده و هم اکنون زندان ها بار دیگر انباشته از زندانیان سیاسی است. شدت سرکوب در این دوره بحدی بوده است که ماموران دستگاه امنیتی رژیم، مخالفین سیاسی را در خانه هایشان سر بریدند، نویسندهان آزاد اندیش را گستاخانه در خیابانها رو بودند و به قتل رساندند.

در مورد زنان و حقوق پایمال شده آنها نه تنها بهبودی صورت نگرفت، بلکه در همین دورهای که قرار بود گویا بهبودی در وضعیت زنان صورت بیکرید، قوانین جدیدی علیه زنان بتصویب رسید. جارچیان حکومت اسلامی واواه گران "اصلاحات خاتمی" دادن چند امتیاز روزنامه را به طرفداران

جنابهای حکومت، دلیلی بر "آزادی خواهی" خاتمی و استحاله لیبرالی رژیم معرفی کردند، اما امروز پس از گذشت دو سال باید گفت که حتی برخی از روزنامه هایی که در دوران رفسنجانی انتشاری یافته و مستقیماً واپسده به جناحهای رژیم نبودند، تعطیل شده اند. در همین دوره زمامداری آقای خاتمی است که قانون ارجاعی

دو سال بعد

سوئد_ مشترک عزیز (بـ سـ) درخواست شما برای ارسال نشریه همراه با از چندی متول میشود، چرا که او دست اورده نداشت. در عرصه اقتصادی، اوضاع بمراتب وخیم تر از گذشته است. رکود اقتصادی به درجه ای رسیده که نرخ واقعی رشد تولید ناچالص داخلی به زیر صفر سقوط کرده است. دربی تشبد رکود، صد ها هزار کارگر در طول دو سال گذشته بیکار شده، صدها هزار جوانی که به بازار کار هجوم آورده اند، همچنان بیکارندو مطابق آمار رسمی خودشان که البته تمام واقعیت را بازگو نمیکند، تعداد بیکاران در همین دو سال از ۱/۵ به ۳ میلیون افزایش یافته است. بهای کالاهای و خدمات مورد نیاز مردم در این دوره دوره افزایش یافته و باز هم بر طبق ارقامی که موسسات دولتی اعلام کردند گذشت از آزادیهای سیاسی محروم اند و ابتدائی ترین حقوق مدنی و انسانی آنها نیز لگل مال میشود. در دوران ریاست جمهوری خاتمی، همانند دوران قبل از آن، هرگونه نارضایتی مردم به شدت سرکوب شده است. بهمین چندماه گذشته که نگاه کنیم، سرکوب بی رحمانه مردم کردستان بیویژه درستنج، سرکوب داشجویان در کوی دانشگاه و سرکوب جنبش دانشجویی و مردمی در خیابانهای تهران و تبریز، نمونه هایی از سرکوب های بی رحمانه رژیم در چند ماه گذشته بوده اند. بر تعداد زندانیان سیاسی روز بروز افزوده شده و هم اکنون زندان ها بار دیگر انباشته از زندانیان سیاسی است. شدت سرکوب در این دوره بحدی بوده است که ماموران دستگاه امنیتی رژیم، مخالفین سیاسی را در خانه هایشان سر بریدند، نویسندهان آزاد اندیش را گستاخانه در خیابانها رو بودند و به قتل رساندند.

کانادا_ دوست عزیز(ع_ ۱)، فاکس شمارا مبنی بر تغییر آدرس دریافت کردیم. از این پس نشریه کار به آدرس جدید شما ارسال خواهد شد. پیروز باشید.

ترکیه_ دوستان عزیزی که با امضای "جمعی از پناهندگان ایرانی" برگشته اند نوشته اید، نامه شما را که قید کرده بودید نشریه کار مرتباً برایان ارسال می شود. دریافت کردیم. همانطور که خواسته اید، بعد از این نشریه را به آدرس جدید شما میفرستیم. پیروز باشید.

کانادا_ دوست عزیز(ع_ ۱)، فاکس شمارا مبنی بر تغییر آدرس دریافت کردیم. از این پس نشریه توقان_ نامه کوتاه شما مبنی بر تغییر نشانی نشریه توقان را دریافت کردیم. همچنان که در جریان هستید، قبل از این نشریه کارتوس طبعات که فشارها و انتشارات سازمان به آدرس پیشین شمارا ارسال میشود اما پس از آنکه یک شماره نشریه برگشت خورد، ارسال آنرا متوقف کردیم. بهروراً آدرس

طنبوعات هم مورد تجدید نظر قرار گرفت. نه برای کاستن از قید و بندها، محدودیت ها و فشار بر طبعات، بلکه بالعکس با افزون موارد و تبصره های تازه ای بر قانون طبعات که فشارها و محدودیت ها را تشید کرد. اینهاست دست آوردهای خاتمی. این است کارنامه رئیس جمهور حکومت اسلامی در عرصه های اقتصادی و سیاسی. این کارنامه بوضوح شکست خاتمی و سیاستهای او را نشان میدهد. اما این شکست، شکست تنها شخص خاتمی نیست. شکست کسانی که به استحاله لیبرالی رژیم معرفی کردند، از آن مهم تر شکست دیگری برای کل حکومت اسلامی است. این شکست تأثید دیگری برای این اتفاقی است که هیچ بهبودی در وضعیت مردم در

گزارش سیاسی کمیته اجرائی سازمان به کنفرانس هفتم

جناح مسلط بود بلکه مستقیم و غیر مستقیم در این نقطه نظر سهیم بودند که دیگر نمی توان با سیاست ها و تاکتیک های گذشته حکومت کرد. در آستانه انتخابات دوم خرداد، بحران سیاسی و شکاف درونی دستگاه دولتی تا بدان مرحله رشد کرده بود و نارضایتی مردم از حکومت اسلامی چنان گسترش یافته بود که جناح مسلط چاره ای جز این نداشت که به نتیجه رفاقت میان این دو گروه تن بدهد و در واقع شکست خود را بپذیرد. چرا که نه تنها جناح های مختلف بورژوازی اپوزیسیون و بورژوازی بین المللی که خواستار تحولاتی از درون خود رژیم و تقویت جناح های به اصطلاح معتمد ترآن بودند، با تمام قوا تلاش همه جانبی ای را برای پیروزی خاتمی سازمان داده بودند، بلکه برای نخستین بار پس از سال ۶۰، توده وسیعی از مردم نیز در این عرصه به دخالت می پرداختند. حضور مردم در انتخابات دلائل مشخصی داشت. این واقعیت است که اگر توده مردم هنوز آمادگی کامل و لازم را برای سرنگونی یک حکومت نداشته باشدند و این امکان برای آنها وجود داشته باشد که از میان جناح های بورژوازی یکی را انتخاب کنند، معمولاً محک انتخاب آنها، انتخابی میان بد و بدتر است. در اوضاع سیاسی ویژه ای که در اوائل سال ۷۶ پیش آمده بود، مردم در میان کاندیداهای ریاست جمهوری فردی را می دیدند که ادعای بهبود اوضاع را داشت. از آزادی های سیاسی و حقوق مردم سخن میگفت و رو در روحی چنانچی قرار میگرفت که خواهان ادامه سیاستهای گذشتند بود.

برغم این که ماهیت خاتمی و گروه های طرفدار او و نیز عملکرد آنها در دوران حکومت اسلامی بمردم روشن بود و اکثریت عظیم مردم هیچ توهیم به آنها و کل رژیم نداشتند، معهدها در انتخابات شرکت کردند. آنها به خاتمی را دارند تا اگر بمبوبی هم در اوضاع صورت نمیگیرد از وحامت اوضاع جلو گیری شود. این رای به خاتمی معنای دیگری نیز داشت و بیانی از مخالفت آشکار مردم با حکومت اسلامی و بویژه دستگاه روحانیت و ولی فقیه بود. چرا که مردم دقیقاً برخلاف خواست و نظر رهبر حکومت اسلامی عمل کردند. چرا که آنها حتی فتاوی رهبران مذهبی را به هیچ گرفتند و به کاندیدای آنها نه گفتند. این واقعیت که اکثریت بسیار عظیم مردم برغم شرکتشان در انتخابات هیچ توهیمی به رژیم جمهوری اسلامی و جناح های آن نداشتند، در این دو سال گذشته نیز برهمگان آشکار شده است. در این مدت کشمکش شدیدی میان این جناح ها در جریان بود، اما توده مردم به مبارزه خود مستقل از این جناح ها ادامه دادند و به جانبداری از این یا آن جناح پرداختند. البته به این نکته نیز اشاره کنیم که بخش اندکی از مردم از روی توهم در انتخابات شرکت کردند و در شرایطی که بورژوازی داخلی و بین المللی تبلیغات گسترده ای را به نفع خاتمی سازمان داده بودند و او را اصلاح طلب و آزادیخواه معرفی میکردند، این بخش اندک از مردم با این تصور و توهم در انتخابات شرکت کردند که او اتفاقه جدا باقته ای از کل دستگاه روحانیت و دیگر سران حکومتی است. این توهمندی در طول این دو سال تا حدود زیادی از میان رفت. به حال شرکت اکثریت مردم در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی خاتمی بر ناطق نوری با یک اختلاف چند میلیونی، شکستی سنگین برای جناح مسلط بود و توازن قوا را بازهم به زیان آنها برهم زد. با شکل گیری توازن جدید، تضاد و کشمکش جناح ها ابعاد همه جانبی به خود گرفت و عملاً به بحران قدرت انجامید. با این تحولات، بحران سیاسی وارد مرحله جدیدی شد.

خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و به نمایندگی از مجمع روحانیون و کارگزاران، زمام امور اجرائی کشور را در دست گرفت. او چه میخواست یکند و در عمل در این دو سال چه کرده است؟ گفتیم که ائتلاف طرفداران خاتمی هریک بخوبی به این نتیجه رسیده اند که سیاست های گذشته حکومت اسلامی با شکست روبرو شده و دیگر نمیتوان با همان سیاستها و تاکتیکها حکومت کرد. این واقعیت برهمگان روشن است که این جناح نیز همانند جناح دیگر خواهان حفظ جمهوری اسلامی با تمام بینایه ای آن میباشد. پس روشن است که این تغییر در سیاست، تغییری کیفاً متفاوت از سیاست های گذشته نیست، بلکه اساساً تغییری در تاکتیک است. در واقعیت امر آنها در شرایطی که عموم مردم از جمهوری اسلامی روی برگردانده و به رو در روحی با آن برخاسته اند، خواهان آن هستند که اندکی از دامنه فشار های بی حد و حصر اجتماعی و سیاسی بر مردم کاسته شود و فضای سیاسی بالنشبه

رفقا! کنفرانس سازمان در شرایطی متمایز از کنفرانس پیشین برگزار می شود. در فاصله دو کنفرانس، تغییرات محسوسی در اوضاع سیاسی ایران بوقوع پیوسته و رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون با چنان بحران سیاسی جدی و ژرفی روبروست که تمام موجودیت اش را به مخاطره انداخته است.

نشانه های اولیه این بحران حتی در مقطع تشکیل کنفرانس ششم سازمان آشکار شده بود. اگرکمی به عقب برگردید و به نیمه اول دهه ۷۰ نظری بیافکنیم، میبینیم که از همان نخستین سالهای این دهه، رشد تضادهای اجتماعی به مرحله رسیده بود که توده مردم، کارگران و زحمتکشانی که زیر فشارهای طاقت فرسای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی تاب تحمل وضع موجود را از دست داده بودند، برغم تداوم سیاست سرکوبگرانه خشن رژیم، اعتراضات و مبارزات علني خود را وسعت بخشیدند. جنبش های اعتراضی علني که در چند مورد هم شکل شورش و قیام به خود گرفت، مناطق وسیعی از ایران را فرا گرفت. این مبارزات بیانگر مرحله نوینی از رشد جنبش توده ای علني رژیم و پیدایش یک بحران سیاسی، متمایز از بحران های پیشین حکومت اسلامی بود. وجه اصلی تمایز در این بود که توده مردم، کارگران و زحمتکشان، زنان و ملیتهاي تحت ستم با دست یازیدن به این مبارزه علني و تعریضی نشان می دادند که دیگر نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند. در عین حال رشد و اعتلا این جنبش های اعتراضی بازتاب این واقعیت نیز بود که سیاست های رژیم در تمام عرصه ها با شکست روبرو شده و مردم هیچ چشم اندازی برای بهبد در چارچوب نظام موجود نمی بینند. در عرصه اقتصادی، سیاستهای رفسنجانی که جز قرق و بدختی برای توده زحمتکش مردم نتیجه ای در بر نداشت، با شکست کامل پایان یافته بود. تلاش رژیم برای عقب راندن مردم به دوران قرون وسطا و بازگشت به صدر اسلام با زور و بمباران ایدئولوژیک هم با شکست مفتضانه ای روپرورد شده بود. بهشت موعود پاسداران حکومت الله، در جهنم فرق و گرسنگی میلیون ها انسان، جنگ و آوارگی، زندان، شکنجه و اعدام، سلب ابتدائی ترین حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی مردم ایران، سرکوب و پایمال کردن حقوق انسانی زنان، و خلاصه کلام در حاکمیت اختناق و سرکوب و حشیانه، خرافات و بربریت به واقعیت پیوست. مردم علیه همه این سیاست ها شورش کردند. به موازات تشديد تضادهای اجتماعی، اعتلا مبارزه علني مردم، و ورشکستگی تمام سیاستهای حکومت اسلامی، تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز تشید شد و شکافی عمیق در درون دستگاه دولت پدید آمد. این واقعیت نیز نخست خود را در اواخر دوران زمامداری رفسنجانی و در جریان انتخابات مجلس پنجم آشکار ساخت. تشید اختلافات به انشعباب در جبهه ظاهراً "متحد ارجاع انجامید و طرفداران رفسنجانی که عدتاً" کادرهای رهبری کننده دستگاه اجرائی حکومت بودند، به عنوان یک جریان مستقل تحت نام "کارگزاران سازندگی" قد علم کردند و به رویارویی با موافقین دیروز خود برخاستند. این شکاف در درون هیئت حاکمه و دستگاه دولتی به تشید بحران سیاسی انجامید. مخالفت علیه جناح مسلط گسترش یافت. دسته جاتی از طرفداران وابسته به حکومت اسلامی گسترده شدند. فرصل مناسبی برای شده و یا نقش بسیار محدودی یافته بودند، رفرصل مناسبی برای رویارویی با رقیب خود را پیدا نمودند و آنها نیز به شکلی مشکل تر به مبارزه و مقابله با جناح مسلط برخاستند. در جریان این تحولات سیاسی، عملاً اختلافی میان گروههای خط امامی سابق و کارگزاران صورت گرفت. شکاف درون دستگاه حاکمه در طی نیروهای به زیان جناح خامنه ای برهم خورد. انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد و تحولات و پیامدهای بعدی آن محصول این بحران و این توازن بود.

در انتخابات دوم خرداد، طرفداران حکومت اسلامی دردو گروه بندی در برابر یکدیگر صفت آرائی نمودند. در یک گروه بندی، جامعه روحانیت، جمعیت موتلفه اسلامی و تشکل های همسو با آنها قرار داشتند که از حمایت بورژوازی تجارتی برخوردار بودند. این گروه، خواهان سلطه انصاری بر دستگاه دولت و ادامه سیاستهای گذشته بود. در مقابل این گروه، ائتلافی از مجمع روحانیون، کارگزاران سازندگی، مجاهدین انقلاب اسلامی و تشکلهای وابسته به این دسته جات قرارداشت که از حمایت بورژوازی صنعتی، بوروکرات های دستگاه دولتی، بخش عمده احزاب و سازمان های بورژوازی اپوزیسیون، و بورژوازی بین المللی برخوردار بود. اعضای این ائتلاف نه تنها هدفشان مقابله مشترک با

را محدود نموده و دستمزد ها را رسماً "کاهش داده اند و از طرف دیگر افزایش روز افزون بهای کالاها و رشد سرسام آور نرخ تورم مداواماً" به کاهش دستمزد واقعی کارگران منجر شده است. کارگران دیگر قادر نیستند حتی با چند ساعت اضافه کاری که تباہ کننده جسم و جان آنهاست، حداقل معیشت خود را تامین کنند. این واقعیت را امروزه حتی ارگانها و نهادهای واسطه به خود رژیم نیز انکار ننمی کنند که مجموع دستمزد روزانه کارگر با تمام اضافه کاری هایش شاید جیران کننده ۴۰ درصد هزینه های بخورونمیر اوپاشد. سطح معیشت کارگران که در طول تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی دائماً "تنزل نموده است، در طول دو سال گذشته با سرعت و شدت بیشتری تنزل نمود. علاوه بر این اکنون کارگران

با معضل دیگری روبرو هستند. سرمایه داران این دستمزد ناچیز را هم نمی پردازند و حالا صدھا هزار کارگر مهااست که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. وضعیت کارگران بیکارکه دیگر از این هم اسفبارتر است. از هنگامی که بحران اقتصادی موجود تشید گردید، اخراج دسته جمعی کارگران به یک امر روزمره سرمایه داران تبدیل گردید. این اخراجها دردو سال اخیر ابعاد فاجعه باری بخود گرفته و هراسال صدھا هزار کارگر اخراج و گرسنه و بی آینده به خیابان ها پرتاب شده اند.

صفوف این ارتش چند میلیونی بیکاران گرسنه، از طریق دیگری نیز متور ترمیشود. هرسال متجاوز از نیم میلیون نیروی کارجوان به بازار سرازیر میشود که آنها نیز به ارتش ذخیره بیکاران می پیوندند. فشاربار بحران اقتصادی و سیاستهای اقتصادی رژیم هرچند که اساساً بردوش کارگران قرار دارد و آنها بیش از همه طبقات و اقسام زیر این فشار قراردارند. اما و خامت اوضاع اقتصادی تاثیرات مخربی بر زندگی بخش های وسیع دیگری از توده های مردم بر جای گذاشته است. فقر و بدختی به چنان پدیده ای عمومی و همه جانبی تبدیل شده که آشکارا در همه جا خود را نشان می دهد. در حالی که تعداد اندکی سرمایه دار و زمیندار و وابستگان و سران دستگاه دولتی، ثروت های افسانه ای اندوخته اندو هرسال میلیاردها ریال از حاصل دسترنج مردم زحمتکش را به جب میزنند، اکثریت بسیار عظیم مردم را کسانی تشکیل می دهند که با فقر و بدختی تباہ کنندهای روبرو هستند. ابعاد این فاجعه تا بدان حد است که حتی موسسات پژوهشی و آمارگیری وابسته به دولت هم اعتراف می کنند که ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. این است ارتفاع حکومت اسلامی و ایضاً آقای خاتمی برای توده مردم ایران در عرصه اقتصادی و زندگی مادی و معیشتی آنها. بینیم در عرصه های دیگرچه پیش آمده است. خاتمی و گروههای موتلف اور در جریان انتخابات ریاست جمهوری به مردم وعده آزادیهای سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق فردی افراد جامعه را دادند. آنها ادعایی کردن که به جوانان و زنان توجه خاصی می‌دول خواهند داشت و حقوق و مطالبات آنها را متحقق خواهند ساخت. البته از همان آغاز بربخش عظیمی از مردم ایران که وعده های امثال خمینی را هم به یاد داشتند، روشن بود که یک آخوند دفاع حکومت اسلامی نه می خواهد و نه می تواند به مردم آزادی سیاسی بدهد، حقوق دمکراتیک مردم را به رسمت بشناسد، محدودیتهای بی شمار علیه زنان و جوانان را از میان بردارد و یا اقداماتی از این دست انجام دهد. حالا پس از گذشت دو سال در عمل هم نشان داده شد که کوچکترین گامی در این زمینه برداشته نشد. اختتاق و سرکوب همچنان پا بر جاست. هیچگونه آزادی سیاسی به توده مردم داده نشد و هیچکی از حقوق مردم از جمله زنان به رسمیت شناخته نشد. بالعکس از بعضی جهات بی حقوق سیاسی و فشار به مردم تشید شد. در این دو سال در چندمورد قوانین تازه ای علیه زنان به تصویب مجلس ارتفاع اسلامی رسید. تعادی از زندانیان سیاسی سابق به هیچ دلیلی مجدداً دستگیر شدند. حتی تعادی از طرفداران حکومت اسلامی که مواضعی گاه خلاف مواضع و نظرات هیئت حاکم داشتند، دستگیر و محکوم شدند. کشtar مخالفین آزادی خواهان اعادی جدید بخود گرفت و چند تن در مدت کوتاهی توسط دستگاه امنیتی حکومت اسلامی ترور شدند. فشاربه مطبوعات تشید شد. در ازای اجازه انتشار چند شماره نشریه ای که به طرفداران دو جناح داده شد، نشریاتی که مستقیماً به یکی از دو جناح وابسته بودند و در دوران رفسنجانی اجازه انتشاریافت بودند، تعطیل شدند. به جز طرفداران وابسته به این جناح ها به کسی اجازه تشكیل حزب و فعالیت سیاسی داده نشد. حتی به آن جریاناتی که هیچ مشکلی برای حکومت نداشتند و التزام خود را به قانون اساسی حکومت اسلامی اعلام کرده اند، نظیر نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز و دسته جاتی از جهه ملی سابق هم اجازه فعالیت سیاسی داده نشد. نه حقوق دمکراتیک مردم به رسمیت شناخته شد، و نه حتی یک بهبود نسبی در این عرصه ها صورت گرفت. درز مینه اقتصادی نیز دیدیم که اوضاع بسیار وخیم تر از گذشته شد. تحت این شرایط مبارزه مردم برای تحقق مطالبات خود روز بروز گسترش یافته است. در فاصله دو

سال گذشته با سرعت و شدت بیشتری تنزل نمود. علاوه بر این اکنون کارگران بازتری بوجود آید. اما برای این که بتوانند همین اقدام ناچیز را هم درهم شکسته شدن سلطه انصاری یک جناح از طرفداران حکومت اسلامی در قدرت اند و از سهیم شدن تمام جناحهای مدافع حکومت اسلامی بورژوازی هستند که التزام عملی خود را به رژیم جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن اعلام میدارند. و بالاخره این جناح خواهان محدود کردن قدرت ولی فقیه و قراردادن ارگان ها و نهادهای وابسته به او در چارچوب قوانین موجودند.

حاتمی در عرصه بین المللی نیز خواهان بهبود مناسبات با دولت های منطقه و قدرت های امپریالیست جهان است. پیشبرد این سیاست تنها از زاویه حمایت سیاسی بین المللی برای حفظ و بقاً جمهوری اسلامی حائز اهمیت نیست بلکه مهمتر از آن، تلاش برای نجات رژیم از مخصوصه بحران اقتصادی است. این جناح بر این اعتقاد است که بدون جلب حمایت قدرت های امپریالیست جهان و انصارات بین المللی، جمهوری اسلامی حتی قادر به تخفیف بحران اقتصادی نیست. اما بینیم در واقعیت چه پیش آمد، تا کجا سیاست ها و ادعاهای این جناح عملی شده است و چه چیزی عاید مردم گردید؟

از اوضاع اقتصادی که آغاز کنیم، اقتصاد جامعه در طی این دو سال به چنان مرحله ای از وحامت خود رسیده که در طول تمام دوران حیات جمهوری اسلامی بی سابقه بوده است. بحران، تمام عرصه های زندگی اقتصادی جامعه را فراگرفته است. رکود اقتصادی که از چندسال پیش آغاز شده بود، اکنون به اوج خود رسیده است. بسیاری از کارخانه ها و دیگر موسسات تولیدی تعطیل شده اند، تعداد دیگری از کارخانه ها تولیدات خود را کاهش داده و بسیار کمتر از ظرفیت خود تولید میکنند. بخش قابل ملاحظه ای از پروژه های تولیدی و عمرانی به حالت تعلیق درآمده اند. نرخ رشد تولید تا خالص داخلی که در سال ۴/۵ ۷۴ بود، در سال ۷۵ به یک درصد کاهش یافت و تا به امروز نیز همین روند ادامه دارد در حالی که اقتصاد، با عemic ترین رکود روبروست، تورم نیز همچنان چارنعل به پیش میتازد. در طول دو سال گذشته بهای کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران و زحمتکشان دائماً افزایش یافته و نرخ تورم واقعی در هر سال بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است. در مدت کوتاهی که از سال جاری نیز میگذرد، بهای برخی کالاها حتی از ۵۰ درصد نیز بیشتر افزایش یافته است.

اوضاع از هم گسیخته اقتصادی به بی ثباتی ریال و سقوط پی در پی آن انجامیده است. تنها در سال گذشته، ارزش ریال عملاً به نصف کاهش یافته. بحران مالی ای دلت نیز وجه دیگری از بحران اقتصادی همه جانبی کنونی است. دولت با ورشکستگی مالی روبروست و زندگی انکل وار خود را با فروش ثروتها کشور و قروض داخلی و خارجی میگراند. در اواسط سال گذشته این بحران مالی دولت به مرحله ای از خاتمه دولتی و کارگران رسید که قادر به پرداخت حقوق کارمندان دستگاه دولتی و کارگران موسسات وابسته به دولت نبود. کابینه خاتمی راه موقتی نجات از این وضعیت را باز هم در قروض داخلی و خارجی، پیش فروش نفت و اخانی از مردم یافت. لذا میلیاردها دلار دیگر بر حجم بدھی های دولت افزوده شد. حالا دیگر حجم بدھی دولت به بانکهای داخلی از ۱۰۰ هزار میلیارد ریال نیز گذشته است. قروض خارجی رژیم به بانکهای نیز همچنان افزایش می یابد. دولت که قادر به باز پرداخت وام ها و اعتبارات خارجی نیست سال بسال تقاضای استهان آنها را میکند. لذا بیوسته بهره های سنتگین تر، حجم بدھی ها را افزون تر می سازد. بانک مرکزی گزارش داده است که در پایان آذر ۷۷ کل بدھی های خارجی رژیم به رقمی معادل ۲۰/۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. هرچند که آمار بانک مرکزی ایران هیچگاه از اعتبار و برحوردار نیست، معهداً همین رقم نیز ورشکستگی مالی دولت را نشان می دهد. تمام این واقعیات نشان می دهند که خاتمی در این عرصه جز خامت بیشتر اوضاع کاری نکرده است. از همان آغاز به قدرت رسیدن وی نیز این واقعیت روش بود که او هیچ برنامه مشخصی جدا از استهان آنها را نیافرود. لذا بیوسته بهره های سنتگین تر، حجم بدھی ها را افزون تر می سازد. بانک مرکزی گزارش داده است که در پایان آذر ۷۷ کل بدھی های خارجی رژیم به رقمی معادل ۲۰/۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. هرچند که آمار بانک مرکزی ایران هیچگاه از اعتبار و برحوردار نیست، معهداً همین رقم نیز ورشکستگی مالی دولت را نشان می دهد. تمام این واقعیات نشان می دهند که خاتمی در این عرصه جز خامت بیشتر اوضاع کاری نکرده است. از همان آغاز به قدرت رسیدن وی نیز این واقعیت روش بود که او هیچ برنامه مشخصی جدا از برنامه ها وسیاستهای گذشته رژیم ندارد. سند بی سرو ته و متقاضی را که او تحت عنوان طرح ساماندهی اقتصادی منتشر ساخت، بدون این که یک گام امکان عملی یابد، ناپدید شد و دیگر کسی از آن نامی نبرد. در واقع اراده همراه دهنده همان سیاست اقتصادی دوران رفسنجانی شد که شکست اش از مدتها پیش آشکار شده بود و جز فقر و بدختی چیزی عاید توده مردم نکرد. اراده این سیاست و تشید بحران اقتصادی در دوره دو ساله زمامداری خاتمی، نتایجی بسیار فاجعه بارتر برای توده مردم ایران داشته است. در این مدت پیوسته وضعیت مادی و معیشتی کارگران و خیم تر شده است. از یکطرف سرمایه داران با مستمسک قرار دادن بحران اقتصادی به شیوه های مختلف امکانات و مزایای کارگران

را که او تحت عنوان طرح ساماندهی اقتصادی منتشر ساخت، بدون این که یک گام امکان عملی یابد، ناپدید شد و دیگر کسی از آن نامی نبرد. در واقع اراده همراه دهنده همان سیاست اقتصادی دوران رفسنجانی شد که شکست اش از مدتها پیش آشکار شده بود و جز فقر و بدختی چیزی عاید توده مردم نکرد. اراده این سیاست و تشید بحران اقتصادی در دوره دو ساله زمامداری خاتمی، نتایجی بسیار فاجعه بارتر برای توده مردم ایران داشته است. در این مدت پیوسته وضعیت مادی و معیشتی کارگران و خیم تر شده است. از یکطرف سرمایه داران با مستمسک قرار دادن بحران اقتصادی به شیوه های مختلف امکانات و مزایای کارگران

گزارشی از برگزاری کنفرانس هفتم سازمان

واژه حکومت شورائی نمیتوانست واژه مناسبی برای جایگزینی باشد، چرا که حکومت شورائی از قبل هم در برنامه وجود داشته و آنچه که میباشیستی جایگزین شود، یک جمهوری دیگر بجای جمهوری دمکراتیک خلق است. برخی از رفقا واژه جمهوری شورائی را به عنوان جایگزین مطرح نمودند. استدلال آنها این بود که جمهوری شورائی منطبق بر برنامه و ترکیب طبقاتی دولت نظر ما است. برخی دیگر براین اعتقاد بودند که جمهوری شورائی در تاریخ بعنوان دیکتاتوری پرولتاریا ثبت شده است و ما نمی توانیم آنرا با ترکیب طبقاتی مورد نظر مان که به فوریت دیکتاتوری پرولتاریا نیست به کار ببریم و این که چه نامی بر این جمهوری باید گذاشت، وظیفه کنگره نمایندگان شوراهای کارگری و زحمتکشان است. لذا جمهوری کارگران و زحمتکشان را به عنوان واژه جایگزین مطرح نمودند. برخی نیز واژه جمهوری شورائی کارگران و زحمتکشان را پیشنهاد می کردند و عده ای نیز همان واژه جمهوری دمکراتیک خلق را پیشنهاد میکردند. برسر قطعنامه پیشنهادی نیز اختلاف نظر وجود داشت. رفقائی که خواهان حذف جمهوری دمکراتیک خلق بودند، دلائلی متفاوت درمورد حذف این واژه ارائه می دادند و حکومت شورائی را نیز واژه مناسبی برای جایگزینی نمیدانستند. در جریان بحثها رفیقی که قطعنامه را ارائه داده بود پیشنهاد خود را در مورد حکومت شورائی بعنوان واژه جایگزین پس گرفت و پیشنهادی جایگزینی جمهوری شورائی را ارائه داد. به علت تشتت ارائه این قطعنامه از دستور کارخارج شدو بله رای گیری گذاشتند. (قطعنامه شماره یک)

سپس پیشنهادی مطرح شد که جدا گانه درمورد حذف واژه جمهوری دمکراتیک خلق را حل نماید. این پیشنهاد پذیرفته شد و ۱۶ درصد تشکیل شدند مشکل را حل نماید. این پیشنهاد در مورد حذف واژه کمیسیون پیشنهادی است که برای ارائه پیشنهاد جدید در برآن تأکید نمود، تجدید نظر نسبت به حضور سازمان ما در تشکل ها و کمیته هائی است که دارای پرانتیک اجتماعی نیستند و بیشتر روی

یکی دیگر از مسائل متناسبات سازمان های با سازمان ما در مورد توجه کنفرانس قرارداد است. نکته ای که کنفرانس عمل های دوره گذشته را مورد بررسی قرار داد. نکته ای که کنفرانس برآن را حل نماید، تجدید نظر نسبت به حضور سازمان ما در راستای کاغذ باقی مانده اند.

کنفرانس مسئله متناسبات سازمان های با سازمان های دیگر و نیز اتحاد

سازمان بود که دامنه فعالیت های آن را محدود کرده است. کنفرانس

حل این مفصل انجام بگیرد.

کنفرانس مسئله متناسبات سازمان های با سازمان های دیگر و نیز اتحاد

عمل های دوره گذشته را مورد بررسی قرار داد. نکته ای که کنفرانس

برآن تأکید نمود، تجدید نظر نسبت به حضور سازمان ما در تشکل ها

و کمیته هائی است که دارای پرانتیک اجتماعی نیستند و بیشتر روی

نیروهای خودمان را روی حرکت های مستقل متصرف کنند و مبارزه

نیروهای خود را حل نماید. این پیشنهاد پیش ببریم. در مقابل، نظر دیگری وجود داشت

که میگفت در شرایطی که جریانات راست به یکدیگر نزدیک تر می شوند

و صفت بندیها مشخص ترمیکردد، چپ نیز مباید صفوی خود را متشكل

سازد. لذا علاوه بر سازماندهی اقدامات مستقل، سازمان مباید درجهت

ایجاد یک بلوک چپ انقلابی تلاش کند و اقدامات مبارزاتی مشترکی را با

دیگر نیروهای انقلابی در چارچوب چنین بلوکی سازمان دهد. نظر اول

رد شد و نظر اخیر با ۸۸ درصد ارائه متفق و ۶ درصد متفق و ۶ درصد

مخالف تصویب شد.

مسئله دیگری که مورد بحث قرار گرفت، معیارهای وحدت حزبی بود. در

این رابطه ۵ اصل وحدت حزبی سازمان ما مورد بررسی قرار گرفت و

اصل پنجم که در کنفرانس چهارم "سرنگونی جمهوری اسلامی و بر

قراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر بعنوان

یک وظیفه سیاسی فوری" تصویب شده بود، به شرح زیر اصلاح شد.

"سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی و استقرار

دولتی از نوع کمون و شوراهای". این اصلاح با ۵۹ درصد موافق،

۷ درصد مخالف و ۳۴ درصد متفق به تصویب رسید.

سپس بحث درمورد قطعنامه ها آغاز شد. ابتدا قطعنامه پیشنهادی برای

حذف جمهوری دمکراتیک خلق از برنامه و قراردادن حکومت شورائی به

جای آن در دستور کار قرار گرفت. رفقائی که خواهان حذف این واژه از

برنامه سازمان بودند، استدلال میکردند که این واژه منجر به ابهام در

مواضع ما و برداشت های مختلف میشود و با مواضع سازمان درمورد

نقش شوراهای و ترکیب طبقاتی دولت انقلابی آینده محفوظ ندارد. رفقائی

مخالف حذف جمهوری دمکراتیک خلق از برنامه و شعارهای سازمان

استدلال میکردند که از آنچه که جمهوری دمکراتیک خلق شکلی از نوع

دولت پرولتاری است و واژه جا افتاده ای در میان مردم است، ضرورتی

به حذف آن نیست. برغم این که اکثر رفقائی که در این مورد صحبت

کردند موافق حذف جمهوری دمکراتیک خلق بودند، اما برس و از

جایگزین آن به شدت اختلاف نظر وجود داشت. از دیدگاه برخی رفقائی

قطعنامه شماره یک که از دستور کار کنفرانس خارج شد
در ضرورت حذف شعار
جمهوری دمکراتیک خلق و جایگزینی آن با حکومت شورائی

چندین سال است که مطبوعات سازمان برای بیان حکومت آلتراستیو از دو واژه و عبارت مختلف استفاده میکند و به یک نوع دو گانگی دچار است. هم از جمهوری دمکراتیک خلق نام مبیرم و هم از حکومت شورائی. در برنامه جمهوری دمکراتیک خلق، برنامه عمل حکومت شورائی و در نشریه کار هردو را تبلیغ میکنیم. کنفرانس باید به این دو گانگی نقطه پایان بگذارد.

نظر به اینکه اولاً:

* شعار جمهوری دمکراتیک خلق از همان ابتدای ورودش به ادبیات سیاسی سازمان (دیماه سال ۶۰) شفافیت لازم را نداشت و با تعییر و تفسیرهای متفاوتی روپرور بوده است تا آنجا که زیر عنوان این شعار، حتی تفاسیر متضادی در مورد شکل و مضامون حکومت آلتراستیو ارائه میشده است.

* در این جمهوری (آلتراستیو) رابطه شوراهای و قدرت سیاسی مخدوش است و برداشت های بکلی نادرست و بخشش برداشت های بورژوازی و منشیوکی از مقوله شورا ارائه می شده است که طبق آن، شوراهای یا نقشی در حد حمایت کنند و "پشتونه" مجلس موسسان یا در حد ارگانهای مشورتی برای حکومت و حداکثر ارگانهای فشار از پانین به حساب میایند (نگاه کنید به برنامه عمل گذشته سازمان) و در هر حال در این برداشتها شوراهای از مضمون اصلی تهی شده و قدرت سیاسی پیرون از شوراهای و برخاز سرآها قراردادار.

* بعدها وقتی که ما خواستیم ایده دولت طراز نوین و دولت نوع کمون را از کanal شعار جمهوری دمکراتیک خلق بیان و برشوراهای تاکید کنیم، به دلیل وجود تعابیر مختلف از این شعار در سطح جنبش، همواره ناچار به توضیح و ارائه تفسیر خاص خود از این شعار بوده ایم، که این مستله نیز هم دلیل بر کشدار بودن عبارت جمهوری دمکراتیک خلق و هم نارسا بودن آن در بیان مضمون و شکل حکومت نوع کمون می باشد.

دو ما از آنجا که:
* شعار حکومت شورائی یا حکومت شوراهای که بیش ازده سال است ما آن را در نشریه کار تبلیغ می کنیم نه فقط شعاعی است که بقدر کافی صریح، شفاف و مشخص است، بلکه همچنین بما کمک میکند تا مضمون و شکل حکومت آینده را بروشنی و بیوهیج ابهامی بیان کنیم و ضروریست که همچنان و بیش از پیش روی این مقوله بکوییم.

* تاکید بر شوراهای و حکومت شورائی در مطبوعات سازمان نه فقط از این بابت، بلکه از این نظر نیز بسیار درخور اهمیت است که اولاً فقط حکومت شورائی و سازمان شورائی دولت است که قادر است دستگاه بوروکراتیک را تابود و بطرولکی از میان بردارد دوماً حکومت شورائی برای انتقال از نظام بورژوازی به نظام سوسیالیستی و نیز برای دیکتاتوری پرولتاریا، نه تنها شکلی از نوع عال تر موسسات دمکراتیک است، بلکه یکانه شکلی است که میتواند انتقال به سوسیالیسم را به بی دردترین نحوی تامین کند و به گفته لنین شوراهای "آن نوع دولتی را احیاء می کنند که کمون پاریس آن را طرح می ریخت و مارکس آن را "سرانجام شکل سیاسی کشف شده ای که قادر است رهایی اقتصادی رنجبران را علی سازد" نامید".

بنابراین من همانطور که در مقاله "در اطراف دوشعار جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت شورائی" (که درستون مباحثات نشریه کارشماره های ۳۰۶ و ۳۰۷ به چاپ رسید) پیشنهاد و دلالت خود را در حذف عبارت جمهوری دمکراتیک خلق و جایگزینی آن با حکومت شورائی و تاکید بر شوراهای ارائه کرده بودم، اینجا نیز همان پیشنهاد را تکرار میکنم، که: "هم برای تصفیه حساب قطعی با ناروشنی های مستمر در فرمولیندی جمهوری دمکراتیک خلق، هم برای پایان دادن به برداشت ها و تعابیر ناگزیری که طرح این شعار به همراه دارد، هم برای مرز بندی قاطع با درگاهی غیر پرولتاری در مردم رابطه شوراهای و قدرت سیاسی، و هم به منظور تاکید بیشتر بر شوراهای مثابه نهادهای قدرت دولتی و حکومت شورائی بعنوان یگانه حکومتی که میتواند به بی درد ترین شکل انتقال به سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را تامین کند، ضروریست تکلیف خود را با شعارکهنه شده و کشدار جمهوری دمکراتیک خلق یکسره کرده و آن را یکلی از تبلیغات خود حذف کنیم... . گفتی است که این شعار هم اکنون نیز در عمل از تبلیغات ما حذف و یا تقریباً" حذف شده است، ولو آنکه هنوز در برنامه و یا در صفحه آخر نشریه کارکلیشه وار تکرار می شود. معهداً موقع آن رسیده است که کنفرانس برای همیشه به این دو گانگی پایان داده و در حذف رسمی و قطعی این واژه از برنامه، تصمیم گیری کند تا بجای جمهوری دمکراتیک خلق همه جا از واژه رسماً و محکم حکومت شورائی استفاده شود. (الف_ جوادزاده)

روزنامه نشاط هم تعطیل شد



درادمه سرکوب و تعطیل مطبوعاتی که پارا از چارچوب تعیین شده حکومتی فراتر نهاده اند و اندکی استقلال از خودنشان می دهند، روزگارشته دستگاه قضائی جمهوری اسلامی مدیریت میشود و سردبیر روزنامه نشاط را داده و فراخواند و به آنها استورداد که انتشار روزنامه را متوقف سازند. تهاب نشاط ظاهرا ایست که چند روز پیش مقاله ای با عنوان «آیا خشونت دولتی مجاز است؟» منتشر کرده بود که خواهان لغو مجازات اعدام بود. سران حکومت اسلامی و دستگاه روحانیت در طی چند روز گذشته برای اینکه هرگونه صدای مخالفتی را در رفیق قوانین و مقررات ارتقابی حکومت اسلامی خفه کنند، درسخراحت های پی درپی خود خواستار سرکوب کسانی می شدند که قصاص را بعنوان یکی از ارشاد های اسلامی نهی می کنند. برغم اینکه روزنامه نشاط روز پنجم شنبه ضمن توضیح اعلام کرد که این مقاله از طبق نسبارسال شده و پیچیچه «نامی از قصاص بعنوان یک حکم قرائتی» در آن بده نشده است و خودرا از «پاسداران و حامیان حريم و حی...» که احکام قرائتی رانفی نمی کنند معرفی نمود، معهداً به بهانه نهی (از رشای اسلامی) آنرا تعطیل کردند. تعطیل روزنامه نشاط که خود از طرفداران حکومت اسلامی ویک جناح هیئت حاکمه بود، بازهم نشان داد که جمهوری اسلامی ویک جناح مطبوعات کاملاً مطیع گیگری اتحادیل کند.

سنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۴ شهریور ۱۳۷۸
کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
به کنفرانس هفتم سازمان فدائیان (اقلیت)

رقای کرامی! از صمیم قلب موفقیت شما رادر برگزاری کنفرانس سازمانی تان آرزو می کنیم. کنفرانس شما دریکی از حساس ترین شرایط حاکم بر جامعه مان برگزار می شود. ازبارزترین مشخصه های این شرایط رشد و گسترش جنبش مردم در کشور و آشکارتر شدن ظرفیت و امکان فرار و پیشگیری از طبقه امنیتی داشتگی خواهشی خواهد داشت. برغم اینکه این روزهای پیامدهای آن است. امروز در جامعه ما، صفت آرایی مردم در برایر جمهوری اسلامی دیگر یک واقعیت انکارناپذیر است و حکومت اسلامی در بیستمین سال حیاتش آشکارتر از همیشه پرسنلیزه سرکوب متنکی است، اما بهتران چنین جنبش می داند که فقط با تکیه بر سریزیزه نهی توان پایر جا ماند. بیهوده نیست که شکاف در درون رژیم پرسنلیزه چگونگی اتكلای بر این سرنیزه است. این هرچند عربیان تر نمودن آن - به مهم ترین موضوع اختلاف جناحهای درون آن تبدیل شده است.

امروز جنبشهای اجتماعی مردم کشور ما میدان عمل ارگانهای حکومتی را در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی هرچه تر می کنند و در مقابل فضای تنفس جنبش سیاسی علیه رژیم را وسعت بیشتری می بخشدند. از همین رو نیز مسئله چگونگی مهار این جنبش ها - از طریق به حاکم و خون کشیدن آنها و یا کانالیزه کردن آنها به درون حکومت و کنترل آنها - مشخصه اصلی جناح های مختلف حکومت اسلامی است. وظیفه جنبش سیاسی، بخصوص چپ و کونویست، تقویت جنبش های اجتماعی مردم و در اس سهمه جنبش کارگران و زحمتکشان و ایجاد امکانات و ایزارهای لازم برای گشودن چشم انداز برای آنهاست. جنبش ما برای پاسخ به چنین مهمی نیازمند همگامی ها، همکاریها و مناسبات بین‌گسترهای تر و پیشرفتی تری در مقایسه با وضعیت فعلی آن است. رفقا!

پاسخ به الزامات جنبش یکی از وظائف دائمی هرسازمان سیاسی جدی است. امیدواریم کنفرانس شما با اکتشاف گذاشتن برآوردهای رشد جنبش مردمی کشورمان و اتخاذ تصمیمات مسئولانه در قبال آن به سهم خود راه را برهمگامی های بیشتر در راستای پاسخ مشترک به این وظائف هموارسازد. با ارزوی مجدد برای موفقیت کنفرانس شما و درودهای گرم و رفیقانه به همه شرکت کننگان.

روابط عمومی کمیته مرکزی
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
۱۳۷۸ ماه

قطعنامه شماره دو که به تصویب کنفرانس رسید

قطعنامه در مورد شکست انقلاب سوسیالیستی سوری

جنگ داخلی نیز ادامه یافت و خود به عاملی درجهت تضعیف دمکراسی پرولتری تبدیل گردید. پس روشن است که انقلاب اجتماعی پرولتری در روسیه، از همان آغاز به علت مواعنی که با آن روپرو گردید و به عقب ماندگی کشور، تفوق عنصر خرد بورژوا در جامعه، منفرد ماندن انقلاب و عدم وقوع انقلاب پرولتری در کشورهای پیشرونده سرمایه داری و از هم گسیختگی اقتصادی و فروپاشی نیروهای مولده در جریان جنگ داخلی و تهاجم بورژوازی بین المللی مربوط میشد، با انحرافاتی در عرصه های سیاسی و اقتصادی روپرو گردید و ظفه های انحراف در همین دوران شکل گرفتند. این انحرافات مستقیماً بر تضییع دیکتاتوری پرولتاریا و روند دگرگونی در مناسبات تولید تاثیر گارند. در همین حال انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از اجزای انقلاب اجتماعی پرولتری برغم نقشی که در آغاز داشت، تنوانت بوده در ادامه خود بشکل همه جانبه دگرگونی در فرهنگ جامعه پدید آورد و فرهنگ سوسیالیستی را جایگزین فرهنگ بورژوازی نماید.

با پایان گرفتن جنگ داخلی، از هم گسیختگی اقتصادی، قحطی و گرسنگی میلیونها انسان، دیگر امکان ادامه کمونیسم جنگی وجود نداشت، دولت پرولتری برای این که بتواند برباران گسترش غلبه کند و موجودیت خود را حفظ نماید، چاره ای جز این نماید که "سیاست اقتصادی جدید" را در دستور کارقرارداد. اما این سیاست، یک عقب نشینی جدی ترنسیب به عقب نشینی های گذشته بود. با این سیاست، سرمایه داری دولتی و خصوصی تا حدودی رشد کردند. نقش پول احیا گردید. استقلال موسسات دولتی بیشتر شد و کم نب مان ها و کولاک ها به یک خطر جدی تبدیل شدند. لذا از اواخر دهه ۲۰، پس از آن که تا حدودی اهداف نب تحقق یافته بود، برچیدن این سیاست در دستور کار قرار گرفت. با آغاز "چرخش بزرگ" به نب پایان داده شد. نب مان ها و کولاک ها سرکوب شدند، تمام وسائل تولید و توزیع به تملک جامعه درآمد، تولید و توزیع به حسب یک نقشه سراسری سازمان داده شد. کار موظف همگانی مجدداً معمول گردید، نتف قانون ارزش و تولید کالائی به حد بسیار نازلی در اقتصاد رسید. معهداً شکل سازماندهی اقتصادی، متاثر از اوضاع سیاسی و انحرافاتی که در این عرصه شکل گرفته بود، شکلی آمرانه و بوروکراتیک بخود گرفت. چرا که در عرصه سیاسی، انحرافاتی که در نخستین سالهای انقلاب شکل گرفته بودند، در دوران استالین نیز ادامه یافته و تشید شدند. بیش از پیش نقش شوراهای و مداخله آنها در اداره امور کشور محدود گردید. اداره امور اساساً در دست حزب کمونیست، دفترسیاسی و دبیر کل حزب قرار گرفت. روند در هم آمیزی حزب و دولت تشید شد. دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری لایه محدودی از کارگران و فعلیین حزبی، یا دقیق تر دیکتاتوری حزب تقلیل یافته که خود نیز با انحرافات بوروکراتیک روپروشده بود. آزادی های سیاسی بیش از پیش محدود گردید و خود کامگی چنان رواج یافت که حتی حزب کمونیست نیز مشمول سرکوب ها و تصفیه های وسیع شد. بدیهی است که با این تضییع دیکتاتوری پرولتاریا و دمکراسی پرولتری، دگرگونی های اقتصادی نیز نمیتوانست از انحرافات متعدد برقناری بشد. مدیریت تک نفره برجاماند و برغم این که کنفرانس های تولید، سازمان داده شد و مدیران با منشأ پرولتری در راس موسسات قرار گرفتند، اما این به معنای یک مدیریت واقعی کارگری، که از همان نقطه تولید، تولید کننده را حاکم بر محسوب می سازد و برنامه ریزی با مشارکت عمومی کارگران انجام می گیرد، نبود. چنانچه بعداً "سردسته ریویزیونیستها، خروشچف یکی از همین مدیران با منشأ پرولتری بود. امتیازاتی که در نخستین سالهای انقلاب برای متخصصین بورژوا قائل شدند، در سالهای بعد عمومیت بیشتری یافت. درنتیجه تمام این انحرافات فشری در جامعه رشد کرد که از امتیازات ویژه ای برخوردار بود و در دستگاه دولت و حزب نیز نفوذ قابل ملاحظه ای بودست اورده بود. همین قشر است که بعداً به یک طبقه بورژوازی جدید تبدیل میگردد. رشد انحرافات و قشر ممتازه جامعه شوروی در دوران استالین به مرحله ای رسیده بود که اندکی پس از مرگ وی، خروشچف به عنوان سخنگوی این قشر، در راس حزب قرار گرفت و با تجدید نظر در مارکسیسم لینینیسم، نفی دیکتاتوری پرولتاریا، حزب طبقاتی وارائه برنامه های اقتصادی جدیدی که تقویت کننده مناسبات کالائی - پولی بودند، راه را بر گسترش مناسبات سرمایه داری گشود. دورانی که از بده قدرت رسیدن خروشچف آغاز و به گورباجف ختم می شود، دوران سلب قطعی قدرت از طبقه کارگر و انحطاط تام و تمام دیکتاتوری پرولتاریا و برچیدن دمکراسی پرولتری است. دولت و حزب کمونیست کاملاً "قلب ماهیت میدهد. طبقه کارگر تمام" از قدرت کنارزده می شود. بورژوازی مجدداً قدرت را به دست می گیرد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبردر روسیه، عظیم ترین انقلاب اجتماعی کارگری جهان بود که تا کنون بشریت به خود دیده است. طبقه کارگر روسیه با قیام مسلحانه در اکتبر ۱۹۱۷ بورژوازی را سرنگون کرد. قدرت را درست گرفت، ماشین دولتی بورژوازی را تماماً "دشم شکست و با ایجاد دولتی نوین یعنی دولت شورائی به اعمال حاکمیت پرداخت. طبقه کارگر پس از کسب قدرت سیاسی، انقلاب اقتصادی را بعنوان وجه دیگر انقلاب اجتماعی به منظور الغا مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی آغاز نمود. در جریان یک رشته تحولات، پیشروی ها و عقب نشینی هائی که چند سال به طول انجامید، از بورژوازی خل ید کرد. وسائل تولید و توزیع را به تملک جامعه درآورد. نقش تولید برنامه ریزی شده تولید و توزیع را به مرحله اجرا درآورد. کالائی و قانون ارزش به حد نازلی رسید، کارموظف همگانی معمول گردید. استثمار فردی و فردبرافتاد و اصل سوسیالیستی هر کس به اندازه کارش معمول گردید.

اما انقلاب سوسیالیستی اکتبر با تمام عظمت، پیشروی ها و دست آورد هایش که اهمیت جهانی داشتند، از همان آغازبا یک رشته عقب نشینی و انحرافات همراه بود که تدریجاً رشد کردند و سرانجام آن را از پای در آوردند. مسئله اساسی هر انقلاب پرولتری با دیکتاتوری پرولتاریا و اعمال حاکمیت طبقه کارگر مرتبط است. طبقه کارگر روسیه که قدرت را به دست گرفت و از طبقه شوراهای به اعمال حاکمیت و اعمال اراده و اقتدار طبقاتی خوش پرداخت، از همان نخستین سال انقلاب با خطر رشد بوروکراتیسم در شوراهای که تهدید کننده حاکمیت طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا بود، روپرو گردید. خصوصیت بارز دولت پرولتری در آن است که تولد های وسیع کارگر مستقیماً به اعمال حاکمیت میدارند، و امور کشور را اداره می کنند. اما مفصلی که دولت پرولتری شوروهای با آن روپروگردید، عدم مشارکت اینها و وسیع کارگر و زحمتکش در شوراهای و اداره امورکشواربود. علت این امر نیز عقب ماندگی جامعه، تفوق خود و بورژوازی در کشوری که حدود ۸۰ درصد آنرا دهقانان تشکیل میدادند، و پائین بودن سطح آکاهی و فرهنگ بود. نتیجاً "نیروی اصلی و فعال شوراهای را رعایت نمایشی از جنگ داخلی و توزیع به تملک جامعه درآمد، و تعلیم اعضاً بخش پیشرو طبقه کارگر و اعضاً حزب بلشویک تشکیل می کردند. این ضعف از یکسو خطر بوروکراتیزه شدن شوراهای و تعلیم اعضاً آن را به "پارلمان نشین" تشید کرد و ازسوی دیگر خطر در آمیزی حزب و دولت و قرارگرفتن حزب به جای طبقه را افزایش میدارد. شرایط ناشی از جنگ داخلی و مداخله قدرت های امپریالیستی و ضعیت را بفرنخ ترساخت و نقش شوراهای و کمیته اجرائی مرکزی شوراهای نمایندگان در اداره امورکشوار و تصمیم گیری برسرمسائل مهم محدود تر گردید. فوacial تشکیل کنگره سراسری نمایندگان طولانی ترشد و به یک سال افزایش یافت. تصمیماتی که رهبری حزب برای اداره امورکشور اتخاذ می کرد، توسط شورای کمیسیون های خلق به مرحله اجرا درمی آمد. شوراهای در حقیقت این تصمیمات را تأثیر می کردند. برغم این که حزب بلشویک، حزبی انقلابی بود که پیشرو ترین کارگران را در صفواف خود متشکل ساخته بود و از حمایت تولد های کارگر نیز برخوردار بود، اما این روند در هم آمیزی حزب و دولت، عملیاً به تضییع دمکراسی پرولتری، شوراهای و دیکتاتوری پرولتری در اداره امورکشوار بود. بودکه بعداً "تصور یک اصل در می آید.

اما در همین ایام، دقیقاً به علت عقب ماندگی کشور، عدم وقوع انقلاب در باختروفسواری که دولت پرولتری با آن روپروشده بود، عقب نشینی ها و انحرافات دیگری را به بار آورد. دولت پرولتری برای اداره امورکشوار ناگزیر شد، متخصصین بورژوا را به شیوه های بورژوازی پرداخت. بالا به کار و اداره. این یک عقب نشینی از اصول دولت پرولتری بود که کمون پاریس آنرا معمول کرد و دولت شوروی نیز در آغاز آن را عملی نمود و آن تقلیل حقوق صاحب منصبان و متخصصین به سطح متوسط دستمزد یک کارگر ماهر بود. با این اقدام، زمینه برای رشد بوروکرات های قیمتی و نفوذ آنها در دستگاه دولتی فراهم شد. در همین حال مدیریت تک نفره نیز محدود گردید و انحرافات بوروکراتیک تقویت شد. این تصمیم که تنها به عرصه اقتصادی محدود نشد و به عرصه سیاسی نیز بسط یافت، گام دیگری در تضییع دیکتاتوری پرولتری و رشد بوروکراتیسم بود. در عرصه اقتصادی، معمول شدن مدیریت تک نفره، به معنای محدود شدن ابتکار عمل تولد های کارگری و کنار زده شدن تدریجی کمیته های کارخانه، به عنوان ارگانهای جمعی کارگری در کنترل و اداره واقعی امر تولید بود. دولت کارگری شوروی، در جریان جنگ داخلی و تجاوز نظامی قدرت های امپریالیست ناگزیر شد آزادی های سیاسی را نیز محدود کند. این اقدام اضطراری که تحت شرایط ویژه ای برای سرکوب دشمنان طبقاتی پرولتری بود در دوران پس از

خبری از ایران

پیام شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر ایران

رفقای کارگر!

شده بودند، با برپائی یک تجمع اعتراضی در پراپرستاد فرماندهی ناحیه انتظامی تهران بزرگ، خواستار آزادی آنان شدند. اجتماع کنندگان با مراجعه مکرر به بیمارستان‌ها، کلانتری‌ها و مراکز بسیج هیچ‌گونه اطلاعی از بستگان خویش بدست نیاورده بودند، به این حرکت اعتراضی دست زده و ضمن اعتراض به اقدامات وحشیانه پلیس و نیروهای شبه نظامی، خواستار روشن شدن سرنوشت عزیزان خود شدند. یکی از افسران ارشد ستاد فرماندهی در جمع اعتراض کنندگان حاضر شد اما اجتماع کنندگان را به اداره اطلاعات حواله کرد و هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت دستگیر شدگان ارائه نداد. این در حالی بود که پاره‌ای از اعتراض کنندگان به اداره اطلاعات نیز مراجعت کرده و با آن تماس گرفته بودند ولی از آنجا نیز پاسخ روشی نگرفته بودند. اعتراض کنندگان که از صبح زود در محل اجتماع کرده بودند تا عصر در آنجا ماندند و تلاش مسئولین و نیروهای سرکوب را که می‌خواستند هرچه زودتر آنها را متفرق سازند، خنثی نموده و پیگیرانه خواستار رسیدگی به مسئله شدند. سرانجام با تهیه لیستی از اسامی مراجعه کنندگان چنین اعلام شد که عده ای از دستگیر شدگان به زندانهای اوین و عشرت آباد منتقل شده‌اند. اما همزمان مینی بوس متعلق به نیروهای انتظامی که عده ای از دستگیر شدگان در آن قرار داشتند، در حالیکه چشمان آنها را بوسیله پراهن‌های خودشان بسته بودند و سرهایشان را بطرف جلو بر روی صندلی خم کرده بودند، از ستاد فرماندهی ناحیه انتظامی تهران خارج شد. این موضوع خشم و اعتراض شدید اجتماع کنندگان را برانگیخت که به دنبال آن نیروهای شبه نظامی و پلیس ضد شورش وارد عمل شدند و با استن خیابانهای منتهی به ستاد فرماندهی، با اعمال خشونت و سرکوب، در صدد متفرق کردن معتبرضین برآمدند. با اینهمه در اثر اصرار و مقاومت اجتماع کنندگان، برخی عوامل انتظامی اقدام به نام نویسی از کسانی که دستگیر شده بودند کردند و با گرفتن شماره تلفن از خانواده‌ها، و عده دادند که قضیه را پیگیری و به آنان اطلاع دهند. با این همه اکنون که نزدیک به دو ماه از اعتراضات دانشجویی می‌گذرد، بسیاری از دستگیر شدگان کماکان در زندانهای رژیم و زیر شکنجه‌اند و از برخی دیگر نیز هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

واردات گندم نزدیک به صد افزایش یافت

معاون وزیر بازرگانی گفت واردات گندم از ۲ میلیون تن در سال گذشته به ۵/۶ میلیون تن در سال جاری افزایش خواهد یافت. نامبرده در مورد برخی کالاهای دیگر نیز چنین گفت، واردات برنج به میزان ۸۰۰ هزارتن، روغن خام ۷۸۰ هزار تن، شکر یک میلیون و ۸۰ هزار تن خواهد بود که مورد آخر (شکر) نسبت به سال قبل ۲۰ درصد افزایش را شناس می‌دهد.

یافتداست و امروز سرینگونی حکومت محتمل تر از هر زمان دیگری است. بنابراین، امروز مسئله این است که چه باید کرد تا مبارزات مردم برای سرینگونی جمهوری اسلامی به ثمر برسد و کارگران و زحمتکشان به مطالبات خود دست یابند. همانگونه که تجربه انقلاب ۵۷ نشان داد، اگر کارگران و زحمتکشان که بیشترین مبارزه و جانشانی را در امداد سرینگونی رژیم داشته‌اند، خود قدرت سیاسی را در دست نگیرند، هیچ تضمینی برای تحقق خواسته‌ای آنان وجود ندارد. بنابراین تنها راه این است که طبقه کارگر با تشکل و سازماندهی خود، و بسیج افشار زحمتکش، قدرت سیاسی را در دست بگیرد. تنها در این صورت است دست سرمایه داران انکل صفت از منابع عظیم اقتصادی کوتاه خواهد شد و طبقه کارگر می‌تواند وسیع ترین دمکراسی را برقرار نماید، دمکراسی که در آن حق آزادی بیان، آزادی تجمع و تشكل تضمین شده است.

طبقه کارگر ایران طی سال‌های گذشته یکم از مبارزه بازنایستاده است و طی دو سال گذشته حرکات و اعتراضات به نحو آشکاری گستردۀ تر از سال‌های قبل بوده است. اما سرنوشت جنبش مبارزه برای سرینگونی جمهوری اسلامی در گرو ارتقاً این مبارزات عدّتاً اقتصادی به یک جنبش سیاسی است. طبقه کارگر تنها طبقه‌ای است که توان ورسالت آن را دارد که با ارتقاً اعتراضات منفرد کارگری، به یک اعتضاب عمومی سیاسی، شرایط لازم برای قیام، و سرینگونی جمهوری اسلامی را فراهم سازد. تنها با ارتقاً مبارزات کنونی طبقه کارگر به مبارزه سیاسی برای سرینگونی و تنها با برپائی اعتضاب عمومی سیاسی است که جمهوری اسلامی به زانو در خواهد آمد، و تنها با قیام مسلحانه و اعمال اقتدار شوراهای کارگران و زحمتکشان است که حاکمیت سیاسی بورژوازی در هم می‌شکند.

رفقای کارگر!

جمهوری اسلامی در برخان علاج ناپذیر سیاسی و اقتصادی دست و پا می‌زند. سرنوشت این رژیم نکبت و فلاکت در دستان شمامت. مشکل شوید، اعتضابات منفرد، این جویبارهای کوچک را به رودی عظیم و طغیانگر تبدیل کنید، مطالبات خود را به خواسته‌های حق طلبانه جیش زنان برای برای برپایی، مبارزات جوانان در راه آزادی، رفاه و خوشبختی پیوست بزنید. جمهوری اسلامی را سرینگون کنید و با برقراری حکومت شورائی، آینده روشنی برای خود، فرزندان تان و عموم آحاد مردم زحمتکش ایران تضمین کنید.

سرینگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقراریاد حکومت شورائی شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) مرداد ۱۳۷۸

ما، شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به شما که در دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی قرارگرفته اید اما لحظه‌ای از تلاش برای زندگی بهتر، واژ مبارزه علیه ستم و استثمار دست برداشته اید، درود می‌فرستیم. بر مبارزه شما علیه طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی حامی این طبقه ارج می‌نهیم و اعلام می‌کنیم تا برآقایان ستم و استثمار، و تارهای طبقه کارگر که خود را جزوی از آن میدانیم یکم از پای خواهیم نشست، سازمان ما بعنوان یک سازمان کمونیست هدفی جز برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه‌ای آزاد که از هرگونه ستم و استثمار و نابرابری برباشد، ندارد. هم از این روزست که طی نزدیک به سه دهه که از بنیانگذاری سازمان ما می‌گذرد، جز به‌آگاهی و سازماندهی طبقه کارگر و بسیج توده محروم و تحت ستم نگردیده اید. هم از این روزست که صدھا تن از رفقای ما شکنجه و تیرباران را پذیرا شده اند، اما به قدرت‌های حاکم سرتسلیم فرود نیاورده اند و به منافع کارگران و زحمتکشان پشت نگردیده‌اند. هم از این روزست که ما مصراحت برای سرینگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی تلاش میکنیم.

رفقای کارگر!

رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار سرمایه داری است و حاکمیت این طبقه انگل را به مندی از شکل ممکن، با تلفیق آشکارین و دولت و قوانین عهد بربریت پاسداری میکند، امروز لرزان تراز هر زمان دیگر است. ۲۰ سال حاکمیت‌این نمایندگان خدا بر زمین، جز قفر، بدختی، گرسنگی، بیکاری، گسترش انتیاد و فحشاً و رشد بی سابقه مفاسد اجتماعی شمری برای شما کارگران و اقشار عظیم زحمتکش شهرور و ستأ در برداشته است. این حکومت حق سخن گفتن، حق انتخاب نوع لباس، حق داشتن شغل، بهره مندی از بهداشت و درمان، و در یک کلام حق زنده بودن را از مردم ایران سلب کرده است و نکبت و ماتم را به جای بهره مندی از مواهی زندگی و اعتماد به آینده نشانده است. خانواده‌های میلیون‌ها کارگر در حسرت نان، آموزش و بهداشت و درمان، و میلیون‌ها جوان در حسرت داشتن شغل، آموزش و تقویت و یک زندگی انسانی هستند. زنان، انسان‌های درجه دوم، بطور روزمره توسط فرهنگ منحط و قوانین زن سنتیز حاکم، شکنجه می‌شوند. در چنین شرایطی است که نارضایتی از این وضعیت غیر قابل تحمل و نفرت از حکومت اسلامی گستردۀ تر می‌شود و اعتراضات کارگری، و مبارزه در میان سایر اقسام، افزایش می‌یابد. اعتراضات دانشجویی تیرماه آخرین و وسیع‌ترین نمونه اینگونه حرکات بود که به سرعت به حرکت گستردۀ خیابانی تبدیل شد و آشکارا خواست سرینگونی جمهوری اسلامی را به میان کشید. این اعتراضات نشان داد که مبارزه برای سرینگونی جمهوری اسلامی بمراحل جدیدی ارتقا

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

اینها، کارگران را از حداقل امکانات رفاهی محروم ساخته و حتی از واگذاری لباس کار و کفش اینها به کارگران نیز امتناع می‌ورزد.

بلا تکلیفی کارگران در کردستان

بیش از ۶ ماه است که کارگاه تولید پوشاسک، در یک حالت نا بسامانی و در معرض تعطیل قرار گرفته است. این موضوع موجبات نگرانی شدید بیش از ۹۰ کارگر شاغل این کارگاه و اعضا خانواده آنها سبب شده و آنان را دریک حالت بلا تکلیفی و سرکردانی فروپرده است. با وجود آنکه کارگران مکرراً به مسئولین استانداری کردستان، بنیاد مستضعفان و جانبازان و نمایندگان مجلس مراجعت کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند، اما این مشکلات، همچنان لایحل باقی مانده است. کارگران این کارخانه نسبت به این وضعیت شدیداً متعرض اند و می‌گویند "چرا باید بعد از ۲۰ سال کار و تلاش شبانه روزی، هم اکنون بلا تکلیف باشیم؟"

امتناع مدیریت از بازگشت به کار کارگران

در ادامه اعترافات کارگران اخراجی کارخانه کیسه‌های کاغذی کرمان (چهارکاف)، حکم بازگشت به کار ۵۲ کارگر از مجموع ۵۹ کارگر پیکارشده صادر شد. با این وجود روز ۱۶ تیر که این کارگران با مراجعت به محل کارخانه، خواهان بازگشت به کار شدند، به دستور مدیر عامل از ورود آنان به کارخانه ممانعت بعل آمد. در اعتراض به این مسئله، کارگران برای حل مشکل خود به سایر مراجع مسئول دولتی مراجعت کرده و خواهان بازگشت به کار می‌باشند. شایان ذکر است که این شرکت در تاریخ ۷۸/۴/۵، تعطیل اعلام شده است.

۲۶۹ کارگر از کار بیکار شدند

به دنبال اعلام انحلال اداره راه قدس مهاباد، تن از کارگرانی که سالیان متمادی در این بخش مشغول به کار بودند، کارخود را ازدست داده و بیکار شدند. پیش ازین گفته می‌شد که اداره کل راه و ترابری آذربایجان غربی، تصمیم به ادغام این اداره و اداره راه قدس مهاباد گرفته است، اما سرانجام طرح انحلال موسسه اخیر و بیکار سازی کارگران آن به اجرا در آمد. این در حالی است که سازمان تامین اجتماعی نیز از پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران طفره می‌رود و کارگران هیچ درآمدی برای تامین معاش خویش ندارند.

اجماع اعترافی خانواده‌های دستگیر شدگان در تهران

روز چهارشنبه بیست و سوم تیرماه، جمع زیادی از خانواده‌های دانشجویان و سایر کسانی که در جریان اعترافات دانشجوئی دستگیر و یا ناپدید صفحه ۸

خبری از ایران

از حقوق خویش را به صندوق سازمان تامین اجتماعی واریز کرده اند، حال چگونه می‌توان پذیرفت که بدبیال یک بخشنامه، اینان از حق و حقوق مسلم خود محروم شوند؟ در خاتمه این نامه اعتراضی، کارگران خواستار رسیدگی به مشکل خود ورفع بلا تکلیفی شده اند. قابل ذکر است که بنا برآمارمندرج درهین روزنامه کارو کارگر، هم اکنون بیش ازده هزار کارگرداری دربخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی در آذربایجان غربی مشغول بکارند. موضوع عدم پرداخت حق بیمه بیکاری کارگران قراردادی که طبق بخشنامه سازمان تامین اجتماعی از ابتدای سال جاری بامحرا گذاشت شده است، اعتراضات وسیعی را در میان کارگران برانگیخته است.

موضوع قابل ذکریگر این است که علیرغم لغو پرداخت مقرری بیمه بیکاری کارگران قراردادی، سازمان تامین اجتماعی کمکان ۳ درصد سهم بیمه بیکاری را از کارگران می‌گیرد.

اعتراض کارگران دوخت خزر

عدد ای از کارگران شرکت دوخت خزر استان مازندران که واپسی به بنیاد مستضعفان است، با ارسال یاد داشت اعتراضی به روزنامه‌ها، نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه و بن کارگری اعتراض کردند. این کارگران در نامه خود چنین اشاره کرده‌اند که با وجود نامه نگاری های آنان به مقامات بنیاد مستضعفان، هیچگونه اقدامی در مورد خواست ۲۱۶ کارگر این شرکت بعمل نیامده است.

اعتراض کارگران گونی بافی

یکصدو پنجاه تن از کارگران بیکار شده شرکت گونی بافی ارومیه، با ارسال یک نامه اعتراضی خطاب به نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه، ضمن تشرییف پاره ای مشکلات خود، خواهان پایان وضعیت بلا تکلیفی، از سر گیری تولید و بازگشت بکارشده اند. کارگران این شرکت تعطیل شده، در نامه خود، بهانه کارفرما برای تعطیل شرکت مبنی بر مشکل مواد اولیه را مردود دانسته‌اند. گفتنی است که گروهی از کارگران نیز در دیداری که با امام جمعه ارومیه داشتند، ضمن بازگوئی مشکلات خود، خواستار رسیدگی و حل آن شده‌اند.

نامه اعتراضی کارگران قوچان

کارگران کارخانه دوچرخه سازی قوچان با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، نسبت به نحوه برخورد کارفرمای این کارخانه با کارگران و همچنین تعویق در پرداخت حقوق‌ها، اعتراض نموده و خواستار حق و حقوق خود شدند. قابل ذکر است که کارفرمای این کارخانه نه فقط چند ماه است که حقوق کارگران را نپرداخته است بلکه از رسمی کردن کارگرانی که بیش از یکسال کار کرده اند نیز خود داری می‌ورزد و علاوه بر

جمع اعتراضی کارگران الکترونیک

کارگران شرکت صنعتی لاما الکترونیک مشهد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، با تجمع در محل شرکت خواهان حقوق‌های معوقه خود شدند. مدیریت شرکت قصد داشت با عدم پرداخت حقوقها، کارگران را تحت فشار قراردهد و موافقت آنان را برای انعقاد قراردادهای موقع کارجلب کند، اما از آنجا که درین زمینه توفیقی بدست نیاورد، اقدام به اخراج چندین نفر از کارگران نمود. در رابطه با کارگران اخراج شده نیزبا وجود آنکه هیئت تشخیص، رای به بازگشت آنان بکار داده است، اما مدیریت شرکت به این مسئله توجهی نکرد و موضوع به هیئت‌های حل اختلاف واگذار گردید که این مسئله نیز نتیجه‌های به نفع کارگران و برای بازگشت به کار آنان در برنداشت.

تحمیل اعترافی کارگران شرکت آجر

نژدیک به صد و پنجاه تن از کارگران شرکت آجر سفالین سمنان، با برپائی یک تجمع اعتراضی در محل خانه کارگر این شهرستان، دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خودشند. این کارگران که یک هفته قبل از این تجمع در اوائل مردادماه نیز به نشانه اعتراض و برای رسیدگی به مشکلات خود به اداره کارآیین شهرستان مراجعه کرده بودند، پس از بازگشت، با درهای بسته شرکت مواجه شده و از ورود آنان به محل شرکت ممانعت بعمل آمده بود. کارفرمای این شرکت بعد از این حرکت اعتراضی کارگران، نه فقط مهر اخلال گر و آشوبگر بر کارگران زده است، بلکه تصمیم گرفته است شرکت یادشده را بکلی تعطیل و کارگران را از کار بیکار کند. این درحالی است که کارگران بیش از ۶ ماه است هیچگونه حقوقی دریافت نکرده‌اند و اکنون به جرم درخواست پرداخت حقوق خویش تهدید به اخراج و بیکاری می‌شوند.

اعتراض در کارخانه کاغذ هفت تپه

کارگران کاغذ هفت تپه خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت موقع دستمزد ها دست به اعتراض زدند. از نتیجه اعتراض وسایر مطالبات کارگران خبری دردست نیست.

نامه اعتراضی کارگران اخراجی

جمع زیادی از کارگران اخراجی بیمارستان "امام خمینی" شهرستان ارومیه همراه با کارگران قراردادی، ضمن ارسال طوماری برای روزنامه کار و کارگر، نسبت به بخشنامه سازمان تامین اجتماعی مبنی بر محرومیت کارگران قرار دادی از دریافت بیمه بیکاری اعتراض نموده و خواهان بهره مندی از مزایای قانونی تعیین شده، گردیده‌اند. کارگران در نامه اعتراضی خود از جمله به این مسئله اشاره کرده اند که در جمیع آنها کارگرانی هستند که بیست سال سابقه کار دارند و یا کارگرانی که قراردادی بوده‌اند اما در مدت اشتغال خود بخشی

زنده باد سوسيالبيسم

پیام شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان به دانشجویان انقلابی و مبارز!

تمامی اقدامات جنایتکارانه رژیم علیه دانشجویان و سایر اعتراض کنندگان را قویاً "محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی دستگیر شدنگان هستیم.

رفقا! دانشجویان انقلابی و مبارز!

جنیش اعتراضی، آزادیخواهانه و دمکراتیک اخیر شما، گام بسیار مهمی در راستای درامیزی با جنبش توده ای و مبارزه برای واژگونی رژیم جمهوری اسلامی، به جلو برداشت. این موضوع کاملاً روشن است که اهداف و وظائف جریانات سوسیالیستی و چپ درون جنبش دانشجویی بسی فراتر از مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک است. دانشجویان چپ و کمونیست با تلقی هوشیارانه کار و فعالیت علمی و مخفی میتوانند و باید نقش خود را در ایجاد و انسجام تشکلهای مستقل دانشجویی و برای ارتقاء و رهیبی این جنبش ایفای کنند و آن را با جنبش کارگران و زحمتکشان پیوند زنند. اوضاع جامعه و شرایط حاکم برایران، اعتلاً جنبشهای اعتراضی را نوید می دهد. بحران حاد سیاسی و بحران حکومتی بازهم تشیدید میشود. جمهوری اسلامی از درون فروریخته است. این رژیم باید بدست کارگران و زحمتکشان و باقیام مسلحه سرنگون شود. جنبش رادیکال و انقلابی دانشجویی، بی تردید می تواند متحد جنبش کارگران و زحمتکشان باشد و نقش خود را در این مسیر ایفاء کند.

زنده باد جنبش انقلابی و رادیکال دانشجویی!
مرگ بر رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس
سازمان فدائیان (اقلیت)
مرداد ماه ۱۳۷۸

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به کنفرانس هفتم سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقا: آرزومندیم که درودهای صمیمانه و رفیقانه مارا بمناسبت برگزاری هفتمین کنفرانس سازمانی خود بپذیرید. امیدواریم که نتایج این کنفرانس کمکی باشد در پیشبرد هرچه بیشتر مبارزه درجهت سرنگونی جمهوری اسلامی و پیشبرد امن رهائی و آزادی کارگران و زحمتکشان. همچنین آرزومندیم که کنفرانس شما قدم های موثری را در جهت وحدت عمل هر چه بیشتر نیروهای چپ انقلابی و سوسیالیست جامعه ایران ببردارد.

ما صرف نظر از هرگونه اختلاف سیاسی و یا نظری که بطور طبیعی در بین سازمانهای چپ و رادیکال و از جمله در بین ما و شما وجود دارد، در مبارزه علیه بیدارگری های نظام سرمایه داری و رژیم جنایتکار حاکم بر ایران خود را در کنار شما احساس کرده و برایتان آرزوی پیروزی می نمائیم و دست تک رفاقت کنفرانس را به نشانه رفاقت و همسنگری می فشاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

ساخت. شما دانشجویان انقلابی و مبارز که در بکلی از صفت جریانهای وابسته به رژیم و جناح های آن جدا کردید، با این حرکت رادیکال و انقلابی خود که در عین حال معنی بی اعتمادی به این جریانها و آموزش بی اعتمادی به آنها بود، جنبش اعتراضی دانشجویی را یک گام کیفی مهم بجلو سوق دادید و نشان داید که بر اهمیت اقدامات مستقل از این جریان ها و نیز ضرورت ایجاد تشکل های مستقل دانشجویی واقعیت داشت. شما دانشجویان انقلابی مبارز نشان دادید که جنبش دانشجویی، وجهی از جنبش انقلابی توده های مردم برای آزادی و دمکراسی است. وقتی که شما به سمت توده های مردم چهتگیری نمودید، وقتی که حصارهای دانشگاه و کوی دانشگاه را شکسته و جنبش دانشجویی را از سطح دانشگاه و مسائل خاص آن فراتر برداختید و به سطح مسائل کلان تر و عمومی تر جامعه ارتقاء دادید و در خیابانها به سنگ بدندی پرداختید، به نحوی که به سرعت افساری از مردم و سایر جوانان معتبر نیز بشما ملحق شدند، شما در واقع امر نشان دادید که در این اعتراض شورانگیز تناهی نیستید و خشم و نفرت شما از رژیم جمهوری اسلامی، وجهی و انعکاسی زهرآگین خویش قرارداد و با یک "انقلاب فرهنگی"، دانشگاه را که کانون آگاهی و آگاهگری بود، به اشغال نیروهای سرکوب خویش در آورد. آنکه بمنظور پیشگیری و مقابله با حرکت‌های اعتراضی و آگاهی بخش دانشجویان، به "پاکسازی" و تصفیه خوین دانشگاه ها پرداخت. دانشجویان را در ابعادی وسیع و گسترده، دستگیر اخراج نمود و یا به زندان وحبس افکند. هزاران تن از کمونیست ها و سایر دانشجویان و اساید انقلابی و مبارز را کشtar و قلع و قمع کرد تا با کوتاه کردن دست آنان از دانشگاه، ریشه جنبش اعتراضی دانشجویی را بخشکاند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بدان هم اکتفا نکرد. بلطفاصله مزدوران و جاسوسان خود را روانه دانشگاه ها کرد تا چهارچشمی مواظب دانشجویان باشند و فعالیت جنبش دانشجویی را شناسائی و سرکوب کند. بعد از آن رسماً پای سپاه پاسداران را تحت عنوان بسیج دانشجویی به دانشگاهها باز کرد، تشكیل های باصطلاح دانشجویی و انجمن های اسلامی دائر کرد، کمیته های انصباطی تشکیل داد، نمایندگان ولی فقیه را به دانشگاه ها اعزام نمود و کراراً به "اسلامی کردن" دانشگاه ها پرداخت و خلاصه برای سلطه کامل خود، از تمامی ترفند های سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک استفاده کرد تا دانشجویان را دربست مطیع خود سازد.

اما جنبش اعتراضی و اعتلاً یافته شمادانشجویان انقلابی و مبارز، بر تماشی این تلاش های مذبوحانه، مهر ابطال زد و نه فقط به روشنی شکست سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم را رقم زد که بیست سال علیه دانشجویان بر دانشگاه ها اعمال شده است، بلکه یکار دیگر ماهیت عینیاً ارتجاعی و ضد دمکراتیک تمامیت رژیم بیویژه ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی جناح باصطلاح اصلاح گرای آن را نیز هم در عرصه داخلی و درنیز توده های مردم و هم در عرصه بین المللی بر ملا کرد و بیش از پیش آن را رسوا

خلاصه‌ای از ایام هیئت اجرائی سازمان فدائیان کمونیست

به هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان براساس سوسیالیسم علمی، نقد گذشته نو سازی و بازسازی و انکل‌به جنبش کارگری مشی است که بین این هدف‌رهمنو می‌شود. نوسازی ای که در ساختمان ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی آن هر تک تک رفاقت به اعتبار "اقلیتی" بودن و بهمین آن گروه وابسته بودن، بلکه باعتبار کمونیست بودن، مشارکت داردند. تمام تجربیات تلخ و شیرین و آموخته های خود را دریک فضای آزاد و رفیقانه و خالی و عاری از تعصب و تحجر به محک بحث و آزمایش می‌گذارند. تبلور این تلاش‌ها وحدت اصولی و رزمنده نیروهایی است که دیگر در آن "حقیقت" در انحصار مادام‌العمر این و یا آن نیست، گروهی سیاست‌گذار دیگرانی مجری و سیاهی لشکر نمی‌باشد. اختلافات به انشعابات و انشعابات به انشقاقات (عدمتاً) بدون اطلاع از مضمون و علل انشعابات در بالا) امکان بروز نمی‌یابد، اعتماد مقابل، آموزش و پرورش اعضاء و کادرها به امری نهادی تبدیل می‌گردد، تحلیل، برنامه، اساسنامه، سیاست، دخالت گری که از جنبش کارگری و جامعه جدائی ناپذیرند، سوابق می‌شوند. آنگاه این تشكل و تحزب هر کارگر و روشنفکر کمونیستی می‌شود که به اعتبار خالت گری موثر از طرف مبارزه کارگران آنگاه به منافع طبقاتی خویش و نیز به رهبر مبارزات صنفی و سیاسی کل طبقه نیز تبدیل می‌گردد. با آرزوی توفيق در اتخاذ تصمیمات انقلابی و با تقدیم صمیمانه ترین شادباش ها برای کنفرانس شما!

هیئت اجرائی سازمان فدائیان کمونیست
۱۳۷۸ مرداد ۱۰

تن از رهبران اعتصاب نیز موثر واقع نشد و اعتصابیون به حرکت خود داده اند. سرانجام در سومین روز اعتصاب، دولت این کشور مجبور به عقب نشینی شد و موقتاً افزایش مالیاتها را ملغی اعلام نمود.

به هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) با درودهای گرم! رفقا! برگزاری کنفرانس سالانه سازمان فدائیان (اقلیت) را به همه شما شاد باش می‌گوییم واجازه می‌خواهیم از فرصت استفاده کرده بدن وارد شدن به مقدمات مرسوم اینگونه پیام‌ها، به مواردی اشاره کنیم که بمنظور ما طرح آنها در جمع رفقاء شرکت کننده در کنفرانس ضروری است.

رفقای عزیز! بر هیچ کدام از ما و شما پوشیده نیست که اگر سازمان ما (منظور سازمان چریک های فدائی خلق ایران و متعاقب آن) اقليت با روایت نسبتاً گستردۀ توده ای و کارگری است که در انشاعاب از رژیم و جوگران دیگردهای موقت به اقلیت امید بستند) با نقد به موقع انحرافات و اشکالات خود از دوره های بحرانی بسلامت عبور می‌کرد و انشعابات و انشقاقات اغلب مکانیکی بنیاد تقویت آنرا به تک پاره های کنونی تبدیل نمی‌کرد، امروز جنبش کمونیستی و چپ ایران، به طریق اولی جنبش کارگری با وجود رهبران علی و آگاهی که در موقع خود هزاران کارگر را نماینگی می‌کرند، این چنین در وادی بی‌حربی، بی برنامگی و فقدان رهبری سرگردان نمی‌بود. وای وضع بسیار متفاوت تر از آن می‌بود که اکون هست.

چگونه می‌توان این انرژی وسیع و قدرتمند را مجتمع نمود و پای برای دخالت موثر در جنبش کارگری در ایران و سر و سامان دادن به جنبش کمونیستی ایفا کرد و در راه تشکیل حزب طبقه کارگر که از اهداف اولیه سازمان ما بود گام برداشت؟

اعتصابیون و مجروح نمودن تنی چند از آنان، سعی در ایجاد رعب و وحشت و مفرق کردن آنان نمود. با شکست این تلاش، دولت با اعلام حکومت نظامی سعی در جلوگیری از تداوم و سریش اعتصاب کرد. اما حتی دستگیری چند



موج اعتصابات کارگری در آفریقای جنوبی

بدنبال یک سری اعتصابات کارگری طی ماه های زوئیه سال جاری، روز ۲۴ اوت قریب به یک میلیون کارگر در آفریقای جنوبی در اعتراض به موج اخراج ها و انجماد مستمزدها دست از کار کشیدند. این بزرگترین اعتصاب کارگری طی سال های اخیر و بعد از به قدرت رسیدن کنگره ملی آفریقا (ANC) بود. اعتصابیون طی این حرکت، خواستار ۱۰٪ اضافه دستمزد و توقف اخراجها شدند. زمانی که دامنه این اعتصابات روز بروز گسترش می‌یافت، بخشی از رهبران اتحادیه های کارگری سعی نمودند مانع از برقای اعتصابات وسیع گردند. آنها از کارگران میخواستند از اعتصاب دست بردارند تا میادا ANC تضعیف گردد. برغم این تلاشها، مبارزات کارگران تداوم یافت و سرانجام روز ۲۴ اوت قریب به یک میلیون از کارگران و کارکنان دست از کارکشیدند. اعتصابیون در قطعنامه پایانی، صریحاً ANC را مورد خطاب قرارداده تا به مطالبات کارگران جامد عمل پوشاند.

لازم به ذکر است که اوضاع اقتصادی درین کشور روز بروز وخیم تر می‌گردد. طی دو هفته اول ماه زوئیه سال جاری ۵۰ هزار کارگر اخراج شده اند. با بستن ۶ معدن ۱۷۰۰ معنچی از کار بیکارشده‌اند. چنانچه برنامه های اقتصادی دولت بهره‌منوی ادامه یابد، تا پایان سال ۹۹ بیش از ۸۰ هزار راه آهن و مخابرات این کشور را کنون به بیکاری ۲۹ هزار کارگر منجر شده است.

اعتصاب کارگران خط هوائی یونان

هزاران تن از کارگران و کارکنان خط هوائی یونان "المپیک" در اعتراض به بیکارسازی صدها تن روز ۱۶ اوت برای سومین بار متواتی طی ماههای گذشته، دست از کار کشیدند. درنتیجه این اعتصاب سراسری، بیش از ۹۰ درصد از پروازهای داخلی و خارجی این خط هوائی لغو گردید.

اعتصاب سه روزه رانندگان حمل و نقل در ارژانتین

بیش ازده هزار تن از رانندگان کامیونهای باری در ارژانتین در اعتراض به افزایش مالیات حمل و نقل کالا در اوخر ماه اوت دست به یک اعتصاب سه روزه زدند. این اعتصاب که به دعوت دولت ای اسپانسری فراخوانده شده بود، منجر به توقف کامل حمل و نقل کالا درین کشور شد. در اولین روز اعتصاب، پلیس ضد شورش با حمله به

اتحادیه نانوایان و کارگران بخش خوراک انگلستان سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محاکوم می‌کند

قرار دادیم. شورای اجرائی ما پیگرانه از نیروهای آزادی و دمکراسی در ایران حمایت کرده و به این حمایت ادامه خواهد داد. ما بی پروا سرکوب مردم ایران را بوسیله مسئولین حکومتی محکوم می‌کنیم. اتحادیه ما آنچه در توان دارد خواهد کرد تا از آنهاشی که برای حقوق پایه ای انسانی و حقوق اتحادیه های (صنفی) کارگری در ایران مبارزه می‌کنند پشتیبانی کند.

بهترین آرزوها رفیقانه جو مارینو
دیگر اتحادیه نانوایان و کارگران بخش خوراک

در پی ارسال قطعنامه پیشنهادی برای محکومیت جمهوری اسلامی در رابطه با سرکوب خیزش دانشجویان در مرداده سال جاری به اتحادیه های کارگری انگلستان نامه نیل ازسوی اتحادیه نانوایان و کارگران بخش خوراک BFWAU خطاب به نماینده کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران دریافت شده. ۱۹۹۹ آگوست ۲۳

دوست عزیز

در نشست ۱۲ و ۱۳ آگوست شورای اجرائی اتحادیه ما نامه مورخ ۳۱ زوئیه شما را مد نظر

پیام به کمونیست‌ها، نیروهای چپ رادیکال و انقلابی

کمونیست‌ها و نیروهای چپ رادیکال و انقلابی تاکید نمود. ما بر این بارهیم که در شرایط بالنسیه مساعد کنونی، کمونیست‌ها، چپ‌های رادیکال و نیروهای واقعاً انقلابی، میتوانند حول چند نقطه اشتراک اصلی و حول یک پلاتفورم رادیکال و انقلابی دست به تشکیل یک ائتلاف سیاسی پایدار بزنند و یک قطب چپ انقلابی ایجاد کنند. این نقاط اشتراک که وجه ممیزه چپ‌های رادیکال و انقلابی است، در عین حال آن را از کلیه رفرمیستها و مدافعان رنگارنگ نظام حاکم متغیر می‌سازد. همه نیروهایی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم شکستن دستگاه دولتی و ایجاد دولتی از طرز نوین، از طرز کمون و شوراهای باشند، می‌توانند و باید برای ایجاد یک چنین قطب و بلوک چپی پا پیش بگذارند. ما همه گروهها، احزاب و سازمانهایی را که براین مبنای چپ رادیکال و انقلابی محسوب می‌شوند، به برپائی چنین ائتلافی دعوت می‌کنیم. چنین نیروهایی اگر که بطور واقعی در مقابل جنبش کارگران و زحمتکشان و خیزش‌های توده‌ای برویه کسب قدرت سیاسی توسعه آنها احساس مسئولیت نمایند، می‌توانند و باید بر پایه این اشتراکات دست به یک ائتلاف سیاسی بزنند، حول یک پلاتفورم رادیکال و مستقل گردآیند و با ایجاد یک بلوک چپ انقلابی، "مستقل" وارد میدان شوند و در جنبش کارگران و زحمتکشان، نقشی فعال و دخالت‌گر ایفا کنند.

تکان تیرماه، مقدمه تکانها و انفجارهای بزرگتری است. برای این تکانها و انفجارهای بزرگتر، برای تکان‌ها و انفجارهای از نوع انفجار ۵۷، باید آماده شد. غفلت دو باره را، تاریخ بر ما کمونیست‌ها و نیروهای چپ رادیکال و انقلابی هرگز نخواهد بخشید!

زنده با اتحاد نیروهای چپ کمونیست و رادیکال!
سرنگون باشد رژیم جمهوری اسلامی!
زنده باش سوسیالیسم!
شرکت کنندگان در هفتمنی کنفرانس سازمان
فدائیان (اقایی)
مرداد ۱۳۷۸

گزیده ای از نامه‌های رسیده

دچار اختلالات روحی و جسمی شده بودند به دارآویخت. . . جمهوری اسلامی این بارچنان وحشت کرده‌است که محمد اقبالی کازرونی را که دچار بحران روحی است بعنوان یکی از عاملان شورش‌های اخیر معرفی می‌کند. آنان در حقیقت میخواهند با به پا کردن شوتولویزیونی برای او و یا اعدامش، خط و شان برای مردم بجان آمده و زندانیان سیاسی سابق بکشند. این اقدام ضد بشری بن بست رژیم راحتی در عرصه‌های نامه نشان میدهد. "اضلاع کنندگان نامه در انتهاهی نامه خود خواستار افشاء سیاست‌های جنایتکارانه رژیم، دفاع از محمد اقبالی و تمام زندانیان سیاسی ایران و دستکیرشدن کان اخیر شده‌اند. ما نیز هم‌صدا با این رفقا، پی گرد و دستگیری زندانیان سیاسی سابق و نیز سایر اقدامات جنایت کارانه رژیم علیه زندانیان سیاسی را قویاً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری محمد اقبالی کازرونی و سایر زندانیان سیاسی هستیم!"

فقط اینها با مرتعج ترین جناح حکومتی همراهی کنند و به صفات اعاده کنندگان "نظم" و "امنت" به زور تغییر و سرنیزه ملحق شوند، بلکه این تکان، در دل برخی نیروهای اپوزیسیون، مردمین و حتی آنانکه خود را چپ و انقلابی هم میخوانند تزلزل انداخت و بعبارت درست تر، به تزلزلات درونی آنان میدان و امکان بروز داد تا آنجا که بعضی حتی تا حد مدافعان برگزاری "رفراندم" در حکومت اسلامی نیز سقوط کردد. حقیقت آن است که اوضاع جامعه بسیار حساس و آبستن تحولات است. در یک چنین شرایطی تضادها نیزه ناگزیر قطبی ترو صفت بندی‌های طبقاتی نیز شفاف تر می‌شود. جناح‌های مختلف بورژوازی و ملحقات آن، از مدت‌ها قبل نگران و خیم تر شدن اوضاع و تشدید بحران اند و برای حل این مضلات، راه حل‌های خود را ارائه میدهند. راه حل‌هایی که تاکنون نیز بارها آزمایش شده و امتحان خود را پس داده اند و اساساً "برتشدید سرکوب واستثمار کارگران و زحمتکشان و تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی متکی است. بنا براین روشن است که مستقل از اراده و خواست بورژوازی، تضادهای ذاتی و ساختاری حکومت اسلامی و بحران سیاسی و اقتصادی تشید می‌شود و وضعیت رژیم از این هم و خیم تر می‌شود. این پاشد. پی‌آمد این وضعیت، انفجار قیام توده‌ای است. تجربه جنبش اعتراضی و گسترش تیرماه، بار دیگر این حقیقت را نشان داد که کارگران و زحمتکشان و توده مردم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. آنان نه حول شعار "رفراندم" یا شعارهای عوام فریب‌انه ای که بورژوازی و دنباله روان آن می‌خواهند آن را در دهان مردم بگارند، بلکه حول رادیکال ترین شعارها مشکل می‌شوند، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و حل قطعی بحران، بار دیگر پی‌آمد خیزند.

نخستین شرط پیروزی این قیام و خیزش توده‌ای اما، استقلال آن از جریانات بورژوازی و سازشکار است. در این نبرد سرنوشت ساز، تنها نیروهای مدافع کارگران و زحمتکشان که می‌خواهند به شیوه‌ای رادیکال و انقلابی یعنی به شیوه خود کارگران و توده مردم بحران موجود راحل کنند، ظرفیت نمایندگی این خیزش رادیکال را دارند و از همین‌رونه فقط مجاز نیستند دست روی دست بگارند، بلکه می‌بایستی هرچه فوری تر پروسه مداخله جمعی و آگاهانه در این مصاف تاریخی را آغاز کنند. ولواتکه شرایط حامعه تا بدین حد هم حساس و حاد نمی‌بود، باز هم این وظیفه کمونیستها، نیروهای چپ رادیکال و انقلابی بود تا به صفوی خویش نظم و اتحاد بیخشدند. اما اکنون این مسئله برای همه کمونیست‌ها و چهارها، اگرخواهند تماشاچی قضایا باشند، به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است.

واقعیت این است که، چپ کمونیست، چپ رادیکال و انقلابی، از یک پایگاه توده‌ای وسیع و قدرتمند برخوردار است. این، نقطه قوت بزرگ چپ است. نقطه ضعف بزرگ چپ اما پراکنده‌ی آن است. چپ باید راهی پیدا کند تا بتواند به مثاله‌ی یک قطب نیرومند، مشکل و مستقل وارد میدان شود. کنفرانس هفتم سازمان ما، طبق ارزیابی ازاوضاع سیاسی و اقتصادی و چشم انداز تحولات آتی، به درستی بر مسئله ضرورت اتحاد و ائتلاف

بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که جمهوری اسلامی چند سال با آن دست به گریبان است، اکنون به مراحل بسیار حاد و انفجار آمیزی رسیده است. سرتا پای دستگاه حکومتی را بحران سیاسی ژرف و خیمی فرا گرفته است که روز به روز تشدید می‌شود. منازعات و کشکمش های درونی دستگاه حاکم و تعمیق بحران حکومتی، جمهوری اسلامی را از هر وقت دیگر آسیب پذیرتر ساخته و آزاربه آستانه فروپاشی نزدیک ترساخته است کوشش های رژیم و سیاستهای آن بدرای بروز رفت ازین بحرانها، بجائی نرسیده و در تمامی عرصه‌ها با شکست و ناکامی روبرو شده است. این درحالی است که تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، جان توده‌های مردم رختکش را به لب رسانده و برمن مین بحران ژرف و همه جانبه، تلاطم‌های اولیه در بین جامعه در حال توکین است. نارضایتی عمیق کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم از وضعیت موجود، بیش از پیش تشدید شده است و خود را در اشکال علی مخالفت و مبارزه با رژیم بازتاب میدهد. دریک کلام، جامعه به‌استانه یک انفجار بزرگ نزدیک تر شده است.

اقدامات سرکوب گرانه و ازسر استیصال رژیم، کشتهای آدم ربانیها، به آتش کشیدن‌ها و سایر اقدامات جنایت کارانه آن، به قصد ایجاد فضای ترور و حشمت و برای مروعوب ساختن توده‌های مردمی که دیگر نمی‌خواهند این رژیم را تحمل کنند، نه فقط مفری برای ارجاع حاکم نساخته است بلکه این اقدامات که بخشش بازتابی از بحران فروپاشی حکومت اسلامی است، عملآ بحران حکومتی را تشید کرده است. پروژه خاتمه و نسخه "اصلاح گرایان" طرفداری هم که آخرین شانس نجات رژیم محسوب می‌شد و تاریخ مصروفش به فوریت به سرآمد، جز تشدید بحران دیگری نداشته است. مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان و سایر افسار زحمتکش مردم همچنان بلا جواب مانده است.

مجموعه شرایط واوضاع متلاطم جامعه، بروشنه شکل گیری و اعتلاء جنبش‌های اعتراضی سراسری توده‌ای رانوید میدهد. جنبش اعتراضی دانشجویان که به سرعت برق خیابانی شد و به یک جنبش اعتراضی رادیکال توده ای علیه رژیم فرار و بیان آشکارا حجم و کمیت بالای خشم و نارضایتی تراکم یافته توده‌ای و درجه آمادگی انفجار جامعه را نشان داد. این جنبش، مقدمه و مدخلی است بر جنبشهای اعتراضی وسیعتر. امروز دیگر حقیقت سران رژیم هم میدانند که هر جرقه‌ای سریعاً می‌تواند به اشتعال کشیده شود و سرتاسر کشور را فرا بگیرد.

چشم انداز تحولات آتی، وظائف وتلاش میرمی را در دستور کار کمونیست‌ها و همه نیروهای واقعاً چپ و انقلابی قرار میدهد. جنبش اعتراضی اخیر، یکبار دیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند که همه جناحهای بورژوازی و به ظاهر آزادیخواهان، در حفظ نظام حاکم ذینفعند و همینکه توده مردم برای تغیر اوضاع بپای خیزد و به مبارزه ای قاطع دست می‌زنند، تماماً در برابر آن به صفات می‌شوند و متفقاً آن را می‌کوبند. اگر مدت‌ها طول می‌کشید تا دوستان دروغین مردم و طرفداران قلابی آزادیهای سیاسی بطور همه جانبه افشا و رسوا شوند، اما تکانی در بطن جامعه کافی بود تا نه

قضائی گرفته تا دیگر ارگان های وابسته به این جناح در معرض حمله بوده اند. در جریان این جنگ قدرت دوساله، هرجناح به نحوی کوشیده است طرف مقابل را تضعیف و توازن قوا را بتفع خود برهم بزند. هر چند جناح خاتمی در این مدت توانسته است تا حدودی توازن قوا را به نفع خود برهم بزند، اما این تغییر، چنان در تغییر اوضاع موثر نبوده است. در واقع نه اوضاع سیاسی ایران در مرحله کنونی بحران سیاسی به این جناح اجازه می دهد که توازن قوا را به شکلی قطعی به نفع خود برهم بزند و نه در لحظه کنونی توان و قدرت آن را دارد. جناح خامنه ای نیز برغم این که ارگان های مادی سرکوب را در اختیار دارد و از حمایت اکثریت مجلس و دستگاه روحانیت برخوردار است، آن هم نمیتواند به آسانی این توازن را به نفع خود برهم بزند و تضاد را به نفع خویش حل کند. چرا که در موقعیت سیاسی نامناسبی قرارداد. اکثریت بسیار عظیم مردم با نفرت بیکران از این جناح عنوان سابل و پاسدار حکومت اسلامی، پی خاستند. دستگاه دولتی با از هم گسیختگی روپرداشت و نفوذ جناح رقیب حتی به نهادها و ارگان هایی که تحت سلطه انحصاری آن هستند نظر نیروهای مسلح نیز کشیده است.

اوضاع جهانی و منطقه ای هم به نفع این جناح نیست و نمی تواند روی حمایت و پشتیبانی قدرت‌های جهانی حساب کند. لذا بیم این جناح از آن آن است که اگر بخواهد برای حل بحران حکومت بعنوان مقدمه ای بر حل بحران سیاسی، به شدت عمل و حتی قهر برای کنار زدن جناح رقیب متولّ شود، با بحران بزرگتری روپرداز شود که نتیجه اش یا پیروزی قطعی جناح خاتمی و یا سرنگونی کل حاکمیت است. معضل این جناح در این است که اگر حقیقتی به فرض بتواند با موقوفیت، جناح رقیب را هم کنار بگذارد، چشم اندازی برای ادامه حیات ندارد. چرا که هیچ راه حلی برای مهار تضادها و بحران های موجود در اختیار ندارد.

این به نحوی معضل طرفداران خاتمی نیز هست. همانگونه که اشاره شد برغم این که جناح خاتمی از حمایت بخش وسیعی از بورژوازی ایران و پشتیبانی بورژوازی بین المللی برخوردار است، ضعیف ترازان این است که به سادگی بتواند بر جناح دیگر غلبه کند. اما اگر به فرض بتواند حتی جناح رقیب را از سر راه بردارد، معضلات به جای خود باقی است. چرا که بلافضله با تضادهای جدید و کشمکش‌های درونی تازه روپردازید.

کسانی که امروز موتلفین رسمی و غیر رسمی خاتمی محسوب می‌شوند، طیفی را با دیدگاهها و سیاست های مختلف تشکیل میدهند. در درون این جناح، جریاناتی امثال خود خاتمی و مجمع روحانیون، خواهان حکومت اسلامی با همین ساختار و خصوصیات هستند. اینان ولایت فقیه را می‌پذیرند اما نه در شکل مطلق آن. در بهترین حالت خواهان محدود شدن اختیارات ولی فقیه اند. شورای نگهبان را می‌پذیرند، اما نه با نظرات است تصوایی، دستگاه قضائی موجود را می خواهند نه با امثال یزدی در راس آن. اما در انتهای دیگر این طبقه جریاناتی را هم می توان یافت که ولی فقیه را نفی می‌کنند. شورای نگهبان را نفی می‌کنند و فراتراز همه اینها تلقیق آشکار دین و دولت را نیز نفی می‌کنند و از تلقیق پوشیده آن نظریه دوران رژیم شاه دفاع می‌کنند. از ایندو روشن است که هیچیک از این جناح ها نمی توانند در موضوعیت موجود، بر تضادهای درونی هیئت حاکمه و بحران حکومتی غلبه کنند و مادام که رژیم جمهوری اسلامی راه گزینی از این بحران نیست.

بنابراین با پرسی تحول اوضاع در طی دو سال گذشته روشن می شود که جناح خاتمی جزو خامت اوضاع در تمام عرصه ها، جز تشدید تضادها و بحرانها کاری نکرده و اصولاً "نمی تواند بکند. این جناح حتی توانسته است سیاست های را که خواهان آن است پیش ببرد. به دولت، نخست این که ماهیت و ساختار حکومت اسلامی و خصلت ارتجاعی خود این جناح، مانع بوده است و دیگر این که کشمکش های جناحی و مخالفت رقیب هرگونه امکان تحرک را از آن سلب کرده است.

این جناح نمی تواند بحران اقتصادی را حل کند، ولی اینکه انحصارات بین المللی میلیاردها دلار به ایران صادر کنند، چون معضل اصلی اقتصاد ایران، یک معضل سیاسی است. هر تغییر و بهبود در اوضاع اقتصادی لازمه اش تغییر در روبنای سیاسی است. جناح خاتمی نمی تواند حتی در آن محدوده ای که ادعای دارد، آزادی سرودم بریده ای را به مردم بدهد، چون خود جمهوری اسلامی با هرگونه آزادی سیاسی دشمنی آشتبانی ناپذیر دارد. هر بهبود و لوناچیز هم در این عرصه درگیری با روبنای سیاسی را می طلبد.

براین میباشد روشن است که محتمل ترین چشم انداز تحول اوضاع در ایران تشدید تضادها، تشدید نارضایتی مردم، اعتلا مبارزه توده ای علیه رژیم، تشدید تضادها و شکاف های درونی رژیم و در یک کلام تشدید بحران سیاسی است. این بحران، همانگونه که تاکنون نشان دادیم، بحرانی است که از تضادهای لایحل تمام نظام موجود برخاسته و راه حلی را دارد.

کنفرانس سازمان صدھا مورد اعتصاب، راه پیمائي ، تظاهرات و دیگر اشکال مبارزه از سوی کارگران ، خبرش به سطح روزنامه های رسمی رژیم و یا نشریات مخالفین حکومت کشیده شده است که بعنوان نمونه میتوان به چند مورد آن اشاره کرد. راه پیمائي و تظاهرات کارگران نفت در برابر ساختمان وزارت نفت، اعتصاب کارگران کاشان، اعتصاب کارگران کارخانه ذوب فلز یزد، اعتصاب راه پیمائي های متعدد کارگران نساجی در قائم شهر، اعتصابات و راه پیمائي های کارگران جهان چیت کرج، نخ کار و غیره. علاوه براین در این دوره شاهد یکرشته جنبش‌های اعتراضی علیه عمومی توده ای در کرمانشاه، شهرک مسعودیه، منطقه پل ساوه، پیراشهر، سنتنج و برخی دیگر از شهرهای ایران بوده ایم. نارضایتی و اعتراضات دانشجویان نیز در این دوره رو به گسترش بوده است.

در تیماره سال جاری، جنبش دانشجویی به مرحله نوینی از رشد کمی وکیفی خود ارتقا یافت . جنبش انقلابی - دمکراتیک دانشجویان که در ۱۸ تیر آغاز شد و در تداوم خود در اشکال علیه مختلف از تظاهرات تا سنگربندی خیابانی و حمله به ارگان های سرکوب و نهادهای دولتی، با شعارهای رادیکالی که مضمون سرینگون رژیم را در برداشت ادامه یافت، یکی از جنبش های اعتراضی مهم اخیر، علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. این جنبش اعتراضی دانشجویی که با کشیده شدن به خیابانها، گروه های دیگری از جوانان و اقشاری از مردم نیز به آن پیوستند، از حمایت ها مستقیم و غیرمستقیم توده مردم برخوردار گردید و در سطح بین المللی نیز انعکاسی وسیع یافت.

در برایر این جنبش اعتراضی رادیکال که حکومت مذهبی را زیر سئوال برده بود ، نه تنها همه جناح های حکومت ، بلکه بورژوازی خارج از حاکمیت نیز که تا قبل از آن ادعای "آزادیخواهی" و "حمایت" از مطالبات دانشجویی را داشت، به موضع گیری پرداخت . تمام جریانات بورژوازی یا مستقیماً در سرکوب این جنبش شرکت نمودند و یا از اقدامات سرکوبگرانه رژیم حمایت کردند . جنبش رادیکال دانشجویی نه تنها یکبار دیگر ماهیت جریان های بورژوازی و سازشکار را افشا کرد و ضربه ای جدی بر اقتدار پوشالی حکومت اسلامی وارد ساخت، بلکه تاثیرات وسیع و مثبتی بر روحیه اعتراضی مردم بر جای گذاشت.

به موازی و خامت اوضاع اقتصادی و سیاسی و رشد نارضایتی و اعتراض توده ای، در این دوسالی تا قبل از آن ادعای "آزادیخواهی" از مطالبات تضادهای درونی جناح های هیئت حاکمه به نحوی سایه ای تشدید شده و شکافی عمیق سراسر دستگاه دولتی را فراگرفته است . البته جمهوری اسلامی از همان بدو موجودیتاش همواره با کشمکش جناحها، تضادهای درونی لاعلاج و درگیری و تضییه حساب دسته جات مختلف روپردازی بوده است. این در ذات حکومت اسلامی است . مسئله اما اکنون این است که اینها تضاد به کشمکش جناحهای هیئت حاکمه محدود نیست، بلکه به تمام دستگاه دولتی کشیده، این دستگاه را با شکافی عمیق روبرو نموده و به یک بحران قدرت انجامیده است. خلا اتوریته و اقتدار در همه جا بوضوح دیده می شود . کسی پشیزی ارزش برای رهبر حکومت اسلامی قائل نیست. او مستقیم و غیر مستقیم از درون خود هیئت حاکمه به استبداد و بی کفايتی می‌شود. رئیس جمهور هم حتی در حیطه کارخود از اعتبار و اتوریته برخوردار نیست. رئیس دولت است اما اصلی ترین ارگانهای دولتی مستقل از او تضمیم میگیرند و عمل میکنند. رسمًا و علناً از سوی جناح دیگر مورد حمله قرار می‌گیرد و علیه او شعار مرگ هم داده می شود. دستگاه دولتی عملاً به خیابان کتک میزند و آب از آب هم نمی جند. دستگاه دولتی عملاً دو بخش تقسیم شده و دودولت حاکمیت دارند. ارگان ها و نهادهایی که در اختیار خامنه‌ای هستند، نظیر نیروهای مسلح، دستگاه قضائي و امنیتی، مجلس و شورای نگهبان، رادیو و تلویزیون، دستگاه روحانیت و غیره، دولت مستقل خود را تشکیل داده و جز از فرامین خامنه ای و جناح خود، از کسی فرمان نمی بردند. دولت خاتمی هم که بخشی از قوه مجریه را در اختیار دارد، سیاست جناح خود را پیش میرد . این هردو جناح میکوشند برای پیشبرد سیاست های خود، سیاست جناح دیگر را خنثی کنند. جناح مسلط، در این دوره دوساله به انحصار مختلف کوشیده است تا مانع پیشرفت سیاست های جناح رقیب شود . گاه خامنه ای با صدور فرمان وامر ونهی حریف را به عقب نشینی واداشته، گاه مجلس ارتجاع اسلامی با استضاح یا مصوبات خود را بر پیشروی جناح مقابله بسته و گاه دستگاه قضائي و امنیتی، نیروهای نظامی و انتظامی و حتی دسته جات مسلح غیر رسمی وارد عمل شده اند . جناح خاتمی نیز در این دوره جناح رقیب قرار داردند، مورد حمله و تعرض قرار داده است. از خامنه‌ای گرفته تا مجلس ارتجاع اسلامی و شورای نگهبان، از دستگاه

از این قدرت، امکان وابزار مبارزه برای شکل دادن به یک جنبش سیاسی محروم آند. طبقه کارگر نه تنها بنا به موقعیت اش در جامعه کنونی، قادر است به یک جنبش سیاسی انقلابی علیه رژیم شکل دهد، بلکه با خاطر وضع طبقاتی و اهداف و آرمان هایش پیگیر ترین و رادیکال ترین نیرو در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، تغییرات و تحقق مطالبات فوری عموم مردم است. چون منافع اش نه فقط با موجودیت جمهوری اسلامی بلکه با تمام نظام اقتصادی – اجتماعی موجود در تضاد است. لذا تمام سرنوشت جنبش انقلابی – دمکراتیک توده های مردم و تحقق مطالبات آنها وابسته به نقشی است که طبقه کارگر در این جنبش ایفا خواهد کرد. بدون مداخله این طبقه در جریان تحولات کنونی، هیچ بهبود جدی در اوضاع و خواست های مردم متصور نیست. بنابراین سیاست و تاکتیک ما در قبال اوضاع سیاسی موجود و چشم انداز رشد هر چه بیشتر بحران سیاسی این است که هرگونه توهمندی پراکنی نیروهای جنبش باصطلاح لیبرال را به بهبود اوضاع در چارچوب حکومت اسلامی بی رحمانه افشار کنیم. هرچند که اکثریت عظیم مردم ایران هیچ توهمنی به رژیم جمهوری اسلامی و جناح های آن ندارند، معنده باز هم باید ماهیت ارتجاعی همه جناح های حکومت را هر چه بیشتر افشاء کنیم و باز هم تاکید کنیم که امثال خاتمی، مجتمع روحانیون، کارگزاران سازندگی و دیگر شرکای آنها نیز همچون جناح دیگر مرتاجع، سرکوبگر، پاسدار حکومت اسلامی و دشمن مردم. آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم هستند. بالعکس بر جنبش طبقه کارگر، جنبش انقلابی – دمکراتیک توده ای، ابتکار عمل توده ای و ضرورت اتفاقات و سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی تاکید کنیم. در اوضاع کنونی که بحران سیاسی مدام ژرف تر و ژرف تر می شود، ایجاب می کند که تاکید مداوم و مستمری بضرورت برابر اعتصاب عمومی سیاسی بشود و نیروهای جنگی و مدافعان منافع طبقه کارگر برای ارتقاء مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و ارتقاء اعتصابات اقتصادی کنونی به یک اعتصاب عمومی سیاسی تلاش ویژه ای مبذول دارند. تاکید بر نقش و اهمیت اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان یکی از اشکال مبارزه مختص طبقه کارگر، تاکیدی است بر شکل گیری یک جنبش حقیقتاً انقلابی سیاسی در برابر حکومت اسلامی، تاکیدی است بر نقش و وزن طبقه کارگر در این جنبش و تاکیدی است بر نقش هژمونیک طبقه کارگر در این جنبش. لذا یکی از محورهای اصلی تبلیغی و فعالیت عملی ما در دوره آینده مسئله اعتصاب عمومی سیاسی است. در همان حال باید تا زمانی که شعار قیام مسلحانه توده ای، بعنوان یک شعار عمل در مرحله پیشرفتنه تری از رشد بحران سیاسی مطرح خواهد شد، براین نکته نیز تاکید کنیم که در چشم نقش و اهمیتی که اعتصاب عمومی سیاسی دارد، هیچ اعتصاب عمومی سیاسی نمیتواند فی نفسه و به تنهائی نقشی در سرنگونی رژیم یا کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان ایفا نماید. تجربه انقلاب کذشته نیزه همگان نشان داد که در پی اعتصاب عمومی سیاسی، قیام مسلحانه لازم است تا ضربه قطعی را به رژیم وارد آورد و آنرا سرنگون کند. اما تجربه همین انقلاب این را هم نشان داد که قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم هم برای پیروزی انقلاب کافی نیست. مسئله مهم و اساسی در هر انقلاب این است که قدرت سیاسی در دست چه کسی قرار می گیرد و از طریق چه ابزارهایی اعمال حاکمیت خواهد کرد. انقلاب علیه رژیم شاه باشکست روپرورشده، چرا که قدرت سیاسی مجدداً در دست ارتجاج قرار گرفت و دستگاه دولتی دست نخورده باقی ماند. سرنگون می اما اگر قرار است که انقلاب آتی توده های مردم ایران به پیروزی انقلاب کارگران و زحمتکشان را چنگ آورند. دستگاه دولتی موجود را که ابزار ستمگری طبقه سرمایه دار و همه مراجعتین حاکم برای ایران است، تماماً در هم بشکنند، یک دستگاه دولتی نوین ایجاد کنند، و برای حفظ قدرت و ابتکار عمل خود، از طریق شوراهایا به اعمال حاکمیت پیروزی داشتند. سازمان ما باید پیوسته به تبلیغ و ترویج درمورد شوراهایا و نقش و اهمیت آنها پیروزی داشتند و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و برقاری حکومت شورائی را به میان وسیع ترین بخش توده های کارگر و زحمتکش ببرد. ما باید این حقیقت را مدنظر داشته باشیم که با رشد بحران سیاسی و شکل گیری یک جنبش سیاسی توده ای علیه رژیم، جناح های مختلف بورژوازی هنگامی که از حفظ حکومت اسلامی مایوس شوند، برای فریب مردم و حفظ حاکمیت طبقاتی خود، تلاش خواهند نمود با شعارهای جدیدی به میدان آیند و احتمالاً "شعار مجلس موسسان" را مطرح کنند. وظیفه ما بعنوان سازمانی که مدافع انقلاب و حاکمیت کارگران و زحمتکشان می باشد، این است که ماهیت بورژوازی این شعارو مطرح کنندگان آن را بیش از پیش در میان توده های برملا سازد و هرگونه توهمندی به مجلس موسسان و پارلمان تاریسم بورژوازی را از بین ببرد.

تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان است که انقلاب می تواند به فرجم پیروزمندش بررس و مطالبات توده مردم ایران متحقق گردد.

اصفهه ۱۳
را برای حل این تضادها میطلبید. این بحران با حک و اصلاح نظم موجود و با موجودیت حکومت اسلامی حل نخواهد شد. بنا بر این بحرانی انقلابی است و نه بحرانی قانونی. تمام وقایع دو سال گذشته نیز این حقیقت را نشان داده اند. معنده آنچه که تا به امروز حل این بحران را به تعویق افکنده است، همانا فقدان یک جنبش توده ای سراسری است. واقعیت امر این است که بحران سیاسی از برخی جهات چنان رشد کرده که جمهوری اسلامی در حال سقوط و فروپاشی است. اما جنبشی که باید آنرا سرنگون کند هنوز شکل نگرفته و این تأخیر کاملاً "محسوس" است. امروز جنبش طبقه کارگر وجود دارد و در طبقه کارگر و انتقام نیافتند. اما این جنبش هنوز به یک جنبش سیاسی ارتقا نیافتد است.

مبارزه طبقه کارگر در لحظات کنونی هنوز یک مبارزه اقتصادی است و برای تحقق مطالبات اقتصادی و صنفی یا گرفته است. جنبشهای عمومی توده ای نیز، در اینجا و آنجا شکل گرفته اند، اما هنوز موردی، پراکنده و منفرد نیست. از اینزو ما هنوز با یک جنبش سیاسی انقلابی – دمکراتیک سراسری یعنی جنبشی که ابتکار عمل آن در دست توده های مردم باشد و برای حل تضادهای موجود به شیوه ای انقلابی عمل کند نهرو برو نیستیم یا فوق العاده ضعیف است. جنبش سیاسی فعلاً "فعال و بالتبیه مشکل جنبشی مستقل از توده مردم و در دست طبقات حاکم و اقشار و طبقات مرده است. این جنبش نه متنکی به توده ها و خواست های آنهاست و نه میخواهد با نظام سیاسی موجود تسویه حساب کند. این جنبش شدیداً" علیه انقلاب است و تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با یک رشته رفرم های ناچیز رژیم را نجات دهد، و از شکل کبیر جنبش سیاسی کارگران و زحمتکشان و یک انقلاب جلوگیری نماید. نیروهای جنگی و مبارزه ای از اینجا شکل گرفته اند، اما هنوز موردی، پراکنده و منفرد نیست. این جنبش را طیف وسیعی از مدافعين نظام سرمایه داری از درون حکومت گرفته تا بیرون از آن، بخش هایی از بورژوازی، طیف وسیعی از خرد بورژوازی مرده به همراه تشکل های سیاسی شان، طیف وسیعی از روش نفکران بورژوا، شامل بخشی از دانشجویان دانشگاهها، گروهی از نویسندها و هنرمندان، وکلای دادگستری و روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه ها و امثال اینها تشکیل می دهند. براین جنبش، که متمایز از جنبش انقلابی – دمکراتیک توده ای است، علیه انقلاب می پاشد و تنها خواستار اصلاحاتی ناچیز در سیستم موجود است، می توان اصطلاحاً "جبش لیبرال نام نهاد. معمولاً" در کشورهایی که دیکتاتوری عربیان حاکم است، همین که بحران سیاسی شکل می گیرد، مقام بر جنبش انقلابی – دمکراتیک توده ای، یک جنبش لیبرال از درون اقشار و طبقات بورژوا و مرده شکل می گیرد، بعبارتی جنبش لیبرال یک تقدیم زمانی بر جنبش توده ای انقلابی دارد. اما این جنبش بویژه در کشوری که جمهوری اسلامی حاکم است، هیچ آینده و چشم اندازی برای مهار و کنترل بحران ندارد، و بجزی دیگر برای جنبش سیاسی توده مردم، کارگران و زحمتکشان، محو خواهد شد. چرا که راه حل جدی و لو برای تخفیف تضادها ندارد. دربرابر این جنبش اصطلاحاً "لیبرال ناقوان" جنبش توده ای توانمندی شکل خواهد گرفت که هر کاری از دستش ساخته است و ابزار حل بحرانها و تضادهای اجتماعی را نیز در اختیار دارد. نیروهای این جنبش را اکثریت عظیم مردم ایران، توده های مردم ایران، کارگران و زحمتکشان و روش نفکران انقلابی تشکیل می دهند. این نیرو مجموعاً "طالب تحول و تحقق رادیکال مطالبات مردم از طریق انقلاب و سرنگونی چمهوری اسلامی" است. اما در همین جنبش کارگر است که در عین حال پایه پیگیر ترین و رادیکال ترین نیرو، طبقه کارگر است که در عین حال پایه اصلی این جنبش را تشکیل می دهد. اگر آنگونه که چشم انداز تحولات نشان می دهد، قرار است با تشدید بحران سیاسی یک جنبش سیاسی توده ای در برایان سیاسی در برایان سیاسی توده مردم ایران تدوین نیز جنبشی شکل دهد. طبقه کارگر هم کمیت و هم کیفیت لازم را برای شکل دادن به چنین جنبشی دارد. میلیونها کارگر هم اکنون در سراسر ایران، با کار و زندگی در زیر یک سقف، لااقل در سطح کارخانه و موسسه به نوعی متکل اند و احساس همبستگی کارگری در میان آنها وجود دارد. این کارگران هم اکنون در سطح کارخانه و گاه در سطح یک رشته صنعت مبارزه مشترکی را علیه سرمایه دار و گاه حکومت سازمان داده اند. اعتصاباتی که از مدتی پیش در کارخانه ها و رشته های معینی از صنعت شاهدان هستیم، این واقعیت را نشان می دهد. درست است که این مبارزه تشدید تضادها و رشد بحران سیاسی، این احتمال هر لحظه وجود دارد که این شکل مبارزه کارگری به شکل عالی تر یعنی اعتصاب سیاسی ارتقا یابد و در چنین حالتی سریعاً به یک اعتصاب عمومی سیاسی و به یک مبارزه سراسری علیه حکومت تبدیل گردد. در حالیکه دیگر طبقات و اقشار، حتی اقشار انقلابی متعدد طبقه کارگر،



کشتار زندانیان سیاسی هرگز فراموش نخواهد شد

نجایع و جنایاتی که طبقات ستمگر و رژیم‌های خود کامدند در طول تاریخ، در ایران به بار آورده‌اند، اینها و بی‌شماراند. دوران حاکمیت ۲۰ ساله جمهوری اسلامی مشت نمونه خواهی است. درین دوران که رژیم جمهوری اسلامی موجودیت خودرا با سرکوب و اختناق حفظ کرده است، مردم ایران روزمره در معرض ستمگی، فشار و سرکوب هیئت حاکمه خوار داشته‌اند. فقر و بدیختی، جنگ، بی‌حقوقی مردم، سرکوب جنیش‌های توده‌ای، به بندگی‌شدن دهها هزارتن از مردم ایران در زندانهای قرون وسطانی، و کشتار دهها هزارتن به جرم مخالفت با حکومت اسلامی، تنها نمونه جنایاتی از فجایع و جنایاتی هستند که این رژیم به بار آورده است. معهداً برخی از این فجایع و جنایات آن قدرهولناک و تکان‌دهنده‌اند که با گذشت قرنها نیز از خطاطه تاریخی مردم محظوظ نخواهد شد. یکی از این نمونه‌ها کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷ است که جنایتکاران حاکم بر ایران در مدتی حدود یک ماه، هزاران زندانی سیاسی را که سالها از عمر خود را بخطار عنتقاد اثناشان در زندانهای رژیم سپری کرده بودند و برخی حتی ایام محاکومیت آنها سپری شده بود، به شکلی حشایانه کشتار کردند و آنها را در گورهای دسته‌جمعی به خاک سپرندند. این وحشی‌گری در شرایطی انجام گرفت که شکست در جنگ و نارضایتی عمومی، هرلحظه امکان بروز یک انقلاب انتقامی را بیشتر می‌کرد. رژیم از آن ره شکست در جنگ خارجی را پذیرفت و جام زهر را رساند و سرشید تا نبرد داخلی و قیام مردم را مهار کند. کشتار زندانیان سیاسی در راستای این سیاست و به منظور مرعوب ساختن مردم نجام گرفت. اما این ددمنشی نیز نه تنها مردم را مرعوب ساخت بلکه دامنه نفرت و انتقام از رژیم بیشتر و پس از ظاهراً تقدیر و تقدیم توده‌ای شد. از اواخر دهه ۶۰ و اوائل دهه ۷۰ پارضایی‌گسترده ترسید. این موج نارضایتی و اعتراض توده‌ای و رشد و هفتماد، روزگزون مبارزات توده‌ای اکنون تا بدان مرحله رسیده که رژیم را با یک بحران سیاسی جدی رویرو ساخته است. به جای هزاران و دهها هزار مخالفی که رژیم در زندانها و یا در نبردهای خلبانی به قتل رسانده است، صدها هزار و میلیونها تن از توهه‌های مردم به مبارزه علیه و رودرور با رژیم روی آورده و برای سرنگونی آن عتلاء، روزگزون مبارزات توده‌ای اکنون تا بدان مرحله پیلاش می‌کنند. رژیم ارتقای عجمی می‌کند، اما امروز دویاره، زندانها انباشته از زندانیان سیاسی شده است. در جریان مبارزات توده‌های مردم در چند سال خیر هزاران تن دستگیر و به زندان افتاده‌اند. تنها همین کافی است که بگوییم در پی جنبش اخیر دانشجویان مطابق آمار رسمی متباوز از هزارتن دستگیر شده‌اند و موج بازداشت ادامه دارد. این دستگیریها و انباشته شدن دویاره زندانها از زندانیان سیاسی، نیز رژیم را نجات خواهد داد. وسعت نارضایتی توده‌ای از وضع موجود که مبارزات گسترده اخیر دانشجویان نیز با وضوح بیشتری آنرا شناسان داد، اکنون به چنان درجه ای رسیده که رژیم دیگر به سادگی قادر نیست، جنبش مردم را مهارکند. این جنبش بازهم اعتلاء خواهد یافت و چندان نخواهد پائید که توده‌های مردم ایران، رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، جنایتکاران را به پای میز محاکمه بکشانند و آنها ا به سزای اعمال تنگی‌شان رسانند.

کشتار و حشیانه زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ توسط جلادان جمهوری اسلامی بدون شک درزمه فجیع ترین جنایات ضدبشری است که بشریت متمدن هیچگاه آنرا فراموش نخواهد کرد. این جنایت هولناک زمانی بوقوع پیوست که جمهوری اسلامی در جنگ با عراق، باشکست و ناکامی روبرو گردید و ناگفیر از پذیرش آتش بس شد که خوبی جلال آنرا به نوشین جام زهر تشییه کرد.

اگر در جریان هشت سال جنگ ارتقا یافته، جمهوری اسلامی مطابقات کارکران و زحمتکشان را به بهانه جنگ بی پاسخ میگذاشت و مشکلات و گرفتاریهای توهه مردم و نیز بحران حاد داخلی را به فراسوی مرزها خواه میداد و تحت عنوان شرایط جنگی، جلو هرگونه حرکت اعتراضی توهه ای را میگرفت و آنرا سرکوب میکرد، اما بعداز پذیرش آتش بس، این ابزارو بهانه از دست رئیم گرفته شد. جمهوری اسلامی از پیم آنکه خشم و نارضایتی تراکم یافته توهه شد و طغیان و انفجار کشیده شود، تلاش کرد تا از طریق سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی جو رعب و وحشت را بر جامعه مستولی سازد و جلو رشد اعتراضات و چنین توهه ای را مسدود کند. از اینرو برای نجات خود، دست به جنایت تکاندهنده قتل عام زندانیان سیاسی زد. کشتار وحشیانه ای که هرگز از خاطره تاریخی مردم محو نخواهدشد.

با این همه یازده سال بعد از این جنایت هولناک به جرأت میتوان گفت که توهه‌های مردم نه تنها مرعوب و خاموش نشده‌اند، بلکه روزبیز برترفت و انتزاع‌شان از رژیم افزوده شد و دامنه نارضایتی آنها نیز گستردۀ تر شد. جنبش‌های اعتراضی توهه‌ای در مناطق مختلف کشور اشکال علیه بخود گرفت. اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری افزایش یافت، تظاهرات توهه‌ای و شورش‌های شهری نیز ابعاد گستردۀ ای یافت. این حرکت‌های اعتراضی تمام‌احاکی از آن است که با کشتار و سرکوب نمیتوان برای همیشه جلو اعتراضات مردم را سد کرد. جنبش اعتراضی اخیر دانشجویان نیز که به سرعت به یک جنبش اعتراضی خیابانی و جوش خودن با جنبش توهه‌ای فراروئید و سراسری شد، نمونه گویای دیگری است از اینکه، سرکوب و کشتار، جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد، بالکن این جنبش اعتراضی که با شعارهای مستقیم علیه حکومت مذهبی پایه میدان گذاشت و بر بیکر پوسیده جمهوری اسلامی رعشة مرگ افکد، نشان داد که دامنه نارضایتی توهه‌ای از وضع موجود به حد رسیده است که دیگر به سادگی نمیتوان اعتراضات توهه‌ای را مهار کرد. اگرچه رژیم ارتقای جمهوری اسلامی اینبار نیز با چاقو و تفنگ و سرنیزه و درکمال خشونت به جان دانشجویان و اعتراض کنندگان افتد، اما همانطورکه کشاورزخانه زندانیان سیاسی توانست مانع رشد اعتراضات و جنبش‌های توهه‌ای شود، بی تردید اقدامات وحشیانه اخیر رژیم نیز نخواهد توانست به این اهداف جامه عمل پیوشناد. یازده سال پیش سران قسی القلب حکومت اسلامی دست به «خانه تکانی» زندانها زدند و ظرف چندروزه هزاران نفر را به کام مرگ فرستادند تا در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی وجود نداشته باشد. امروز اما هزاران نفر به جرم اعتقداتشان در زندانهای محروم رژیم محبوس‌اند. در فاصله این یازده سالی که از کشتار زندانیان سیاسی میگذرد، هزاران نفر در جریان حرکت‌های اعتراضی دستگیر و روانه زندان شده و یا به جوخته‌های مرگ سپرده شده‌اند. مطابق اعتراضات رسمی مقامات حکومتی، فقط در جریان جنبش اعتراضی اخیر دانشجویان، سوای آتش زدن کوی دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان و شلیک بسوی آنان، نزدیک به ۱۵۰۰ نفر دستگیر و روانه زندانها شده‌اند. هم اکنون جان این دستگیر شدگان و جان همه زندانیان سیاسی در خطر است! برای نجات جان زندانیان سیاسی باید به تلاش‌های همه جانه‌ای دست زد.

در آستانه یازدهمین سالروز قتل عام زندانیان سیاسی، ضمن گرامیداشت خاطره تمامی قربانیان این کشتار، بار دیگر این اقدامات وحشیانه و جنایات اخیر جمهوری اسلامی را قویاً محکوم می‌کنیم و همبستگی عمیق خودرا با خانواده‌های جانباختگان و زندانیان سیاسی اعلام میداریم. ما، همه کارگران و زحمتکشان و توده‌های مردم را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرامیخواهیم. ما از همه نیروهای چپ و اقلابی می‌خواهیم تا به هر شکل ممکن صدای اعتراض خودرا علیه جنایات رژیم بلند کنند و بخواهند تا تمامی زندانیان سیاسی فدا بیون هیچ قدر و شر آزادشند.

**مرگ برزیم جنایتکار جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

مرگ بررثیه جنایتکار جمهوری اسلامی زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

اتحاد فدائیان کمونیست - چریکهای فدائی خلق ایران - حزب کمونیست ایران
سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هسته اقلیت
۱۹۹۹ اوت ۲۴ - ۱۳۷۸ شهر نور

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقراری ارادت شوائی کارگران و زحمتکشان
سازمان فدائیان (اقایت)
۱۳۷۸/۵/۳۰

بعلت تراکم مطالب ادامه مقاله تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری در شماره آینده نشریه کار درج می گردد

پیام کنفرانس هفتم به

خانواده های شهدای سازمان و زندانیان سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنايان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر بست کنند.

اهداف و آرمان های طبقه کارگر و دشمنی آشتی ناپذیر با نظام سرمایه داری عمل کرد.

خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی!

اهداف و آرمان هائی که عزیزان شما به خاطر آنها جان باختند و یا به بند کشیده شدند، آرمان سوسیالیسم و آزادی، آرمان رهایی پیشریت ستم دیده، همچنان زنده و جاویداند. عزیزان دلاور شما پیشتازان میاره از علیه ارجاع ، استثمار ، ستم، اختلاف و بیدارگری بوده اند . یاد این پیشگامانی که در راه سوسیالیسم و آزادی جان باختند همواره حافظان خواهد ماند.

رفقای زندانی! مدافعين سوسیالیسم و آزادی!

ایستادگی و مقاومت شما در زندانها در همان حال که به همراه مان شما توان بیشتری در مبارزه می دهد، ارتقای حاکم بر ایران را بیش از پیش در میان توده های مردم رسوا می سازد . همواره مقاومت زندانیان سیاسی با تحسین کارگران و زحمتکشان و روشنگران انقلابی ایران روبرو بوده است . ایستادگی شما در زندان ها یکی از تجلیلات بارز ایستادگی توده های مردم ایران در برابر ارتقای حاکم بر ایران است.

خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی!

ما بار دیگر به شما درود می فرماییم. است مقام
و پایداری شما را میستائیم. یقین داشته باشید
که دوران حکومت ستمگرانه جمهوری اسلامی به
پایان رسیده است و چندان نخواهد پائید که با
دست توانای کارگران و زحمتکشان، جمهوری
اسلامی سرنگون گردد، درب زندان ها گشوده
شود و قاتلین عزیزان شما به سزا اعمال
زنگن شان برستند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقراریاد حکومت شورائی
زنده باد سوسیالیسم
شرکت کنندگان در کفرانس هفتم سازمان
福德ایان: (اقلیت)

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

P. B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

رفقا و دوستان ! خانواده های شهدا و زندانیان
سیاستی !
اهداف و آرمان های طبقه کارگر و دشمنی آشتبی
نایابی بر نظام سرمایه داری عمل کرد.

شرکت کنندگان در کنفرانس هفتم سازمان فدائیان
(اقبیل) به شما درود می‌فرستند.

کنفرانس هفتم سازمان ما در شرایطی برگزار شد که جامعه آبستن ت Hollows سیاسی نوینی است. موج اعتراض و مبارزه علیه رژیم ارتقابی جمهوری اسلامی هردم گسترش می‌باشد. توده‌های مردم که زیرفشارهای متعدد مادی و معنوی جاشان به لب رسیده است بی‌پا خاسته اند. جنبش‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان علیه رژیم جمهوری اسلامی دامنه وسیع تری به خود گرفته است. جنبش اخیر دانشجویان که آشکارا رژیم را در خیابان‌ها به مبارزه طلبید، یک بار دیگر نشان داد که توده مردم و روشنکران دیگر نمی‌خواهد وضع موجود را تحمل کند. در حالی که مبارزات علیه توده در حال اعتلاست، رژیم بیش از هر زمان دیگر در بحران فرورفته است. تضادهای درونی هیئت حاکمه به حدت بی سابقه‌ی رسیده است. رژیم بیش از پیش این واقعیت را عیان می‌سازد که دیکر نمی‌تواند همچون گذشتۀ بر مردم حکومت کند. تمام این واقعیات نشان می‌دهند که عمر ننگین حکومت اسلامی به پایان رسیده و عنقریب طغیان سراسری کارگران و زحمتکشان طومار ننگین این رژیم را درهم پیچد.

رفقای زندانی! فدائیان اسیر و دربند! خانواده های
جان باخته کان و زندانیان سیاسی!

کنفرانس هفتم سازمان شما تاکید نمود که اکنون بیش از هر زمان دیگر، شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی مهیا است. باید پیگرانه تر به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه داد رژیم را از و تمام کسانی را که میکوشند با توهین پراکنی در مورد یکی از جناب های هیئت حاکم، بحران نجات دهدن، بیرحمانه افشاء کرد.

کنفرانس هفتم بار دیگر بخط مشی انقلابی سازمان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی تاکید نمود. کنفرانس با اتخاذ مواضع انقلابی، و تاکید بر خط مشی انقلابی سازمان، به وظیفه خود در زمینه دفاع پیگیر از

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

୪୨ -୭୨ -୫୭୮୯୧୩୮୮

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک :E-Mail
info@fedajian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 329 sep1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی